

تبیین و تحلیل تأثیر موقعیت جغرافیایی بر روابط خارجی و فعالیت‌های تجاری ساسانیان

اسماعیل سنگاری^۱

احمد اسدی^۲

چکیده

ساسانیان زمانی که بر فلات ایران و سرزمین‌های پیوسته به این فلات مسلط شدند، زمینه‌های مختلف زمامداری آنان نظیر فعالیت‌های تجاری و بازرگانی، متأثر از موقعیت جغرافیایی قلمروشان گردید. همچنین در فعالیت‌های اقتصادی آنان، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فلات ایران بی‌تأثیر نبود. ساسانیان در این سرزمین و موقعیت جغرافیایی حساس آن، یا باید روابط خارجی و فعالیت‌های اقتصادی خود را با ویژگی‌های ژئواکونومیک سرزمین‌های تحت سلطه خویش تطبیق می‌دادند یا فعالیت‌های آنان در زمینه‌های مختلف از جمله درآمدهای تجاری، تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی ایران قرار می‌گرفت. حیات اقتصادی ساسانیان وابسته به راه‌های تجاری بود که از سرزمین آنها عبور می‌کرد یا متصل به سرزمین آنان بود. تسلط بر این راه‌ها و برخورداری از موقعیت ترانزیتی و میانه‌ای در فعالیت‌های تجاری و بازرگانی بین شرق و غرب، وابسته به موقعیت جغرافیایی قلمروشان بود. همچنین موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان نقشی مهم در پیشبرد سیاست انحصارگرایی تجارت میان شرق و غرب برای حکومت ساسانی داشت. مقاله حاضر به‌عنوان پژوهشی میان‌رشته‌ای، به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و بر پایه منابع مکتوب، در صدد بررسی تأثیر عامل موقعیت جغرافیایی بر فعالیت‌های تجاری-بازرگانی ساسانیان است.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، ساسانیان، روابط خارجی، موقعیت جغرافیایی، فعالیت‌های تجاری.

درجه مقاله: علمی-ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

^۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران (نویسنده مسئول) e.sangari@ltr.ui.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران ahmad.asadi2040@gmail.com

مقدمه

با مطالعه تاریخ، می‌توان مکان یا موقعیت‌های جغرافیایی خاص را که طی قرون و اعصار مختلف، نقش‌آفرین مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی بودند، شناسایی کرد و با بررسی موقعیت‌های ژئواستراتژی و ژئوپلیتیک مناطق مختلف در مقاطع زمانی خاص به اهمیت سیاسی-اقتصادی و در نتیجه مسائل تاریخی آن پی برد (بیک‌محمدی، ۱۳۷۷: ۲۹). حکومت ساسانی از سلسله حکومت‌هایی است که در ایران به قدرت رسید و توانست قدرت خود را بر فلات ایران و برخی سرزمین‌های پیوسته به آن گسترش دهد، از این جهت، اقدامات آنان در زمینه‌های مختلف تحت تأثیر شرایط و موقعیت جغرافیایی ایران قرار می‌گرفت. مرزهای آنان از رود جیحون و از هند تا سوریه و شبه‌جزیره عربستان کشیده شده بود. طولانی‌ترین راه تجاری و بازرگانی بین شرق و غرب که معروف به «راه بزرگ شرق به غرب»^۱ بود، از سرزمین آنان عبور می‌کرد. همچنین موقعیت جغرافیایی ایران به ساسانیان امکان دسترسی به دریاها و آب‌های آزاد را می‌داد که این خود نیز برای درآمدهای مالی و اقتصادی اهمیت زیادی داشت؛ وجود شهرهای پروتق در جوار سرزمین ساسانیان در میان‌رودان (بین‌النهرین) نیز ثروت زیادی برای خزانه آنها وارد می‌کرد؛ البته مسئله اقتصاد و تسلط بر مناطق ژئواکونومیک خود یکی از عوامل اصلی بروز جنگ و تنش میان ساسانیان و همسایگانش در طول دوره فرمانروایی این حکومت بود (بروسیوس، ۱۳۹۵: ۲۳۹-۲۳۵).

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر یک عامل جغرافیایی یعنی «موقعیت جغرافیایی» بر فعالیت‌های تجاری حکومت ساسانیان است. پژوهش در مورد موقعیت جغرافیایی تاریخی ایران و نقش و تأثیر آن بر رخدادهای تاریخی نه‌تنها در دوره ساسانیان، که در تمام ادوار تاریخی اهمیت دارد. ما در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها هستیم که عامل موقعیت جغرافیایی چه تأثیری بر فعالیت‌های تجاری-بازرگانی ساسانیان داشت؟ موقعیت جغرافیایی قلمرو ساسانیان چه اهمیتی در پیشبرد اهداف و سیاست‌های اقتصادی آنان در مقابل امپراتوری روم و دیگر همسایگانشان داشت؟ فعالیت‌های تجاری و بازرگانی ساسانیان تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی قلمروشان قرار داشت و آنها درآمدهای مالی و اقتصادی فراوانی از راه ترانزیت و گمرکات کسب می‌کردند که این امتیاز، نشأت گرفته از موقعیت جغرافیایی این حکومت بود. همچنین به دست گرفتن و انحصار تجارت بین شرق و غرب

۱. راه ابریشم

توسط ساسانیان با استفاده از موقعیت جغرافیایی آنان امکان‌پذیر بود و این مزیت در امر تجارت برای آنها یک برتری ایجاد کرده بود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در مورد روابط اقتصادی و تجاری ایران عصر ساسانی صورت گرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی اقتصاد منطقه‌ای یا تاریخ اقتصاد ساسانیان پرداخته‌اند و یک منطقه، شهر، راه تجاری یا جنبه‌های مختلف اقتصاد دوره ساسانی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما این پژوهش فقط به یک عامل جغرافیایی یعنی «موقعیت جغرافیایی» و تأثیر آن بر فعالیت‌های تجاری ساسانیان توجه دارد.

اثر کاتارزینا ماکسمیوک با عنوان جغرافیای جنگ‌های ایران و روم (۱۳۹۷) به بررسی جنگ‌های ایران و روم و موقعیت جغرافیایی و عوامل مؤثر در تنش و جنگ بین این دو ابرقدرت پرداخته است و همچنین نویسنده اهمیت ژئوپلیتیک و اقتصادی میان‌رودان و قفقاز و آسیای صغیر برای دو امپراتوری را نیز شرح داده و مسئله اهمیت این مناطق را در وقوع جنگ‌ها مؤثر می‌داند. بیک‌محمدی (۱۳۷۷) نیز اثری در زمینه جغرافیای تاریخی ایران نگاشته است. نویسنده به جغرافیای تاریخی ایران و عوامل مؤثر بر انواع معیشت و تأثیر مسائل اقتصادی بر رخدادهای تاریخی در زمان‌های مختلف از دوره پیش از تاریخ تا بعد از اسلام پرداخته و به جغرافیای ایران در دوره ساسانی و تأثیر عوامل جغرافیایی در اقتصاد امپراتوری ساسانیان به صورت مختصر اشاره کرده است. مرسل‌پور (۱۳۹۶) در پژوهشی به چگونگی فتح یمن توسط ساسانیان و همچنین رقابت‌های سیاسی و اقتصادی ساسانیان با بیزانس بر سر تسلط بر راه‌های تجاری و بازرگانی دریای سرخ که از یمن عبور می‌کردند، پرداخته است. حمیدرضا پاشازانوس (۱۳۹۴) در مقاله "سیراف: تجارت دریایی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی" به فعالیت‌های تجاری ساسانیان در خلیج فارس و تجارت دریایی آنان پرداخته است. داده‌های این اثر، اهمیت موقعیت جغرافیایی خلیج فارس بر تجارت دریایی ساسانیان را روشن می‌کند.

موقعیت جغرافیایی

از آنجاکه تمرکز اصلی این پژوهش بر جغرافیا و موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان و تأثیر آن بر عملکرد و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی ساسانیان است، لازم است در اینجا به

مفهوم موقعیت جغرافیایی و نقش و اهمیت آن بر رخدادهای تاریخی و قدرت اقتصادی و نظامی حکومت‌ها از نظر اندیشمندان و جغرافی‌دانان توجه شود. تاریخ، جغرافیای تاریخی و تاریخ جغرافیایی در زمینه‌های گسترده‌ای از موضوع‌ها تجربه مشترکی دارند (اچ. بیکر، ۱۳۹۲: ۲۳). الن اچ. بیکر همچنین می‌گوید: «جغرافیا و تاریخ شیوه‌های متفاوت نگرستن به جهان هستند؛ اما آن قدر ارتباط نزدیکی باهم دارند که هیچ‌یک نمی‌تواند دیگری را نادیده انگارد یا حتی مورد غفلت قرار دهد» (اچ. بیکر، ۱۳۹۲: ۲۳).

گوردون ایست در زمینه اهمیت موقعیت جغرافیایی در پدید آمدن رخدادهای تاریخی می‌گوید: «در تمام دوره‌های تاریخی ویژگی‌های موقعیتی هر مکانی واجد اهمیت هستند؛ زیرا به همراه دیگر خصوصیات جغرافیایی، نقشی در تاریخ آن مکان ایفا کرده‌اند.» (گوردون ایست، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷). در تعریف موقعیت جغرافیایی گفته‌اند: «اساساً موقعیت عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است» (عزتی، ۱۳۹۶: ۷۶).

موقعیت جغرافیایی از مهم‌ترین عوامل طبیعی و جغرافیایی است که نه تنها شکل و نوع سکونتگاه‌های انسانی، بلکه فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۴۴). عزتی می‌نویسد: در بررسی روابط بین کشورها، پیش گرفتن یک راهکار و روش خاص به موقعیت جغرافیایی آنها بستگی دارد (عزتی، ۱۳۹۶: ۷۷). فردریک راتزل در نظریات خود برای کشورها به دو اصل موقعیت جغرافیایی و وسعت تأکید کرده است و آنها را مهم می‌دانست (بیک محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۹).

موقعیت جغرافیایی در شکل و ویژگی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که برخی از آنها عبارتند از: ۱. موقعیت دریایی ۲. موقعیت حاشیه‌ای یا ساحلی ۳. موقعیت مرکزی ۴. موقعیت استراتژیک (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۶۰-۲۴۴). در طول تاریخ تا به امروز، دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم در پیشرفت کشورها بوده است؛ موقعیت دریایی، همواره حکومت‌ها را از بن‌بست خشکی نجات می‌دهد و معمولاً یکی از عواملی است که در پیشرفت امپراتوری‌ها و قدرت‌های جهانی و سلطه آنان بر بخش‌های زیادی از جهان و توسعه اقتصادی‌شان تأثیر داشته است (عزتی، ۱۳۹۶: ۸۱-۸۲). اگر یک سرزمین با آبراه‌ها و تنگه‌ها یا دریاها ارتباط داشته باشد، از موقعیت دریایی و بندرگاهی و ساحلی برخوردار است. نقش سواحل به‌عنوان موقعیت جغرافیایی نیز در رویدادهای تاریخی مؤثر بوده است، چنانکه مدیریتانه با آب‌های خود تمدن‌های مختلف را به هم پیوست (دورانت، ۱۳۴۴: ۲۶۴-۲۵۸).

حکومت ساسانیان نیز از امتیاز موقعیت دریایی برخوردار بود و قدرت دریایی آنان از خلیج فارس و دریای عمان تا اقیانوس هند و دریای سرخ گسترده بود (اله‌یاری، ۱۳۹۳: ۲۳۴). همچنین، برای اجرای هر استراتژی، نقاط یا مناطق خاصی مورد نیاز است که از موقعیت استراتژیک برخوردار باشند (عزتی، ۱۳۹۶: ۸۵). اهمیت نقاط استراتژیک یکسان نیست، زیرا برخی دارای اهمیت نظامی هستند و برخی اقتصادی و پاره‌ای هم دارای هر دو هستند (عزتی، ۱۳۹۶: ۸۵). اگر یک حکومت دارای موقعیت جغرافیایی خاص باشد، متأثر از موقعیت جغرافیایی خود خواهد بود؛ دوری و نزدیکی به دریاها یا همجواری با تمدن‌های بزرگ و برعکس، قرار گرفتن در مجاورت با اقوام بیابانگرد و ناآرام، همگی در رفتار حکومت‌ها و ساکنان آنها مؤثرند (فیشر، ۱۳۸۴: ۱۰/۱)؛ چنانکه موقعیت جغرافیایی ایران بر فعالیت‌های تجاری و بازرگانی ساسانیان تأثیر گذاشت.

ژئواکونومی و ارتباط آن با روابط خارجی و جریان‌های تجاری

ژئواکونومی از اصطلاحات جدیدی است که در حوزه علم ژئوپلیتیک شکل گرفته است. این اصطلاح با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد (Cowen and Smith, 2009: 22). «ژئواکونومی یکی از جنبه‌های ژئوپلیتیک است که بر اقتصاد به‌عنوان ابزار رقابت تأکید می‌کند. در ژئواکونومی جنبه‌هایی از اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد که عمدتاً با جغرافیا پیوند دارد. همچنان که بُعد فرهنگی ژئوپلیتیک، ژئوکالچر نامیده می‌شود، ... بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک نیز ژئواکونومی است» (مختاری، ۱۳۹۷: ۵۸).

ژئواکونومی منابع طبیعی یک سرزمین و جریان‌های تجاری و بازرگانی و مالی منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای را که در رشد اقتصادی مؤثرند، در برمی‌گیرد (مرتضوی و علی‌کرمی، ۱۳۹۳: ۶۶۸). مختاری که به‌صورت تخصصی موضوع ژئواکونومی را بررسی کرده، در زمینه حدود و حوزه مفهوم و معنی ژئواکونومی بر بُعد جغرافیا و اهمیت آن در اقتصاد تأکید دارد (مختاری، ۱۳۹۷: ۵۸). بنابراین، در دوره ساسانیان ژئواکونومی و به‌اصطلاح تأثیر جغرافیا بر اقتصاد موضوع بااهمیتی است؛ زیرا موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان نقشی مهم و مستقیم در تجارت و بازرگانی و درآمدهای اقتصادی آنها داشت (بروسیوس، ۱۳۹۵: ۲۳۵). در واقع، ژئواکونومی را می‌توان به‌عنوان ژئوپلیتیک اقتصاد نیز دانست، به تعبیری می‌توان از جنبه‌های اقتصادی یک منطقه در زمینه سیاست استفاده کرد یا با کمک جغرافیای یک منطقه که دارای توان اقتصادی و موقعیت و منابع اقتصادی است، در جهت اهداف سیاسی

به جای به کارگیری توان نظامی استفاده کرد. مختاری می نویسد: «در یک موقعیت جغرافیایی، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی است [یا] ژئواکونومی به کار بردن ابزارهای اقتصادی برای کشورداری است» (مختاری، ۱۳۹۷: ۵۸). به طور کلی، تعریف جامعی که می توان از ژئواکونومی ارائه داد، این است که ژئواکونومی به کار بردن ابزار اقتصادی یک منطقه برای دفاع از منافع ملی و به دست آوردن نتایج و توانایی های ژئوپلیتیکی و تأثیر فعالیت های اقتصادی ملت ها بر اقتصاد و اهداف ژئوپلیتیکی یک کشور است. در واقع، ژئواکونومی توانایی ها و منابع اقتصادی یک منطقه یا کشور است که می توان با بهره گیری از این توانایی ها، بر سیاست خارجی یا داخلی تأثیر قابل توجهی بر جای نهاد. همچنین در ژئواکونومی مؤلفه های اقتصادی جای گزینه های نظامی را می گیرند و به نوعی به جای رقابت های نظامی و بروز جنگ، یک نوع جنگ اقتصادی شکل می گیرد (مرتضوی و علی کرمی ۱۳۹۳: ۶۶۹). با توجه به این دیدگاه، از ژئواکونومی در دوره ساسانیان، یک نوع جنگ اقتصادی یا ژئواکونومیک قابل بررسی است. مهم ترین دلیل برای این مسئله رقابت های اقتصادی میان شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری روم است. انحصارگرایی اقتصادی را که ساسانیان با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع اقتصادی در دسترس خویش، نسبت به رومی ها در پیش گرفتند، می توان در زمره تأثیرات ژئواکونومیک سرزمین ساسانیان بر اقتصاد آنان به شمار آورد. در دوره ساسانیان فارغ از اینکه موقعیت سرزمینی آنان دارای امتیازهای ژئوپلیتیک فراوانی بوده است، به واسطه قرار گرفتن بر سر راه های بازرگانی، دسترسی به تجارت دریایی و به ویژه، کنترل شاهراه های تجاری، از امتیازها و ویژگی های موقعیت ژئواکونومیک نیز برخوردار بوده است.

پهنه سرزمین ساسانیان و موقعیت جغرافیایی آن

حدود قلمرو سلسله ساسانی، تقریباً با حدود مرزهای طبیعی فلات ایران قابل انطباق بود. ساسانیان تمام سرزمین زیرسلطه اشکانیان را به تصرف خود درآوردند و آن را گسترش دادند و برای نخستین بار مفهوم جغرافیایی ایران شهر را در تاریخ برای سرزمین خود به کار بردند (دریایی، ۱۳۹۲: ۳۱). اردشیر اول هرچند که به صورت کامل نتوانست قلمرو زیرسلطه اشکانیان را به تصرف درآورد، بخش های زیادی از سرزمین آنان را تسخیر کرده بود. محدوده سرزمین هایی که اردشیر به تصرف درآورده بود، شامل ایران، افغانستان، بلوچستان، صحرای مرو و خیوه بود و حد شمالی به رود جیحون و حد غربی به آخر بابل و عراق می رسید

(کریستن‌سن، ۱۳۹۱: ۱۱۲). بر پایه کتیبه‌هایی که از شاپور اول در کعبه زردشت و کردیر در نقش رستم برجای مانده، محدوده جغرافیایی ایران ساسانی مشخص‌تر است. شاپور اول در کعبه زردشت، اسامی ولایت‌های تحت سلطه خود را چنین می‌شمارد:

«من... شاه ایران‌شهر؛ فرمانروا هستم و (در اختیار) دارم: پارس، پارت، خوزستان، میشان، اسورستان، آدیابن، آربایه (اربایستان)، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، سیگان، اران، بلاسگان تا فراز کوه قاف و دروازه‌های اران در آلان و همه کوه پدیشخوار، ماد، گرگان، مرو، هرات و همه ابرشهر، کرمان، سگستان، توران، مکران، پاردان، هندوستان، کوشان‌شهر تا فراز پیشاور و تا به کاش، سغد و به کوه‌های تاشکند و در آن سوی دریا، عمان» (Huyse, 1999: 1/22-24).

در سنگ‌نوشته کردیر، گستره قلمرو ساسانیان این‌گونه نشان داده شده است: پارس، پارت، بابل، میشان، آدیابن، آذربایجان، اصفهان، ری، کرمان، سیستان، گرگان تا به پیشاور. البته باید توجه داشت که این محدوده جغرافیایی که کردیر از جغرافیای ایران‌شهر مطرح می‌کند، بیشتر چشم‌انداز سیاسی-دینی گستره سرزمین ایران را نشان می‌دهد (Huyse, 1999: 1/22-23).^۱ دیگر سرزمین‌هایی که زیر سلطه ساسانیان بودند، در فهرست ایالت‌های ایران‌شهر در کتیبه کردیر از آنها نام برده نشده و باید سرزمین انیران^۱ دانسته شوند (دریایی، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ این سرزمین‌ها در واقع، بخشی از قلمرو اصلی ساسانیان بودند. هرچند محدوده قلمرو ایران‌شهر در سنگ‌نوشته شاپور اول و کردیر تا اندازه‌ای با یکدیگر متفاوتند؛ باین‌حال، پهنه جغرافیایی ایران‌شهر در این دو کتیبه تا حدودی با مرزهای ایران شرقی، فلات ایران و میان‌رودان هماهنگی دارد.

در متن جغرافیایی کتاب *شهرستان‌های ایران‌شهر*، گستره ایران‌شهر بسیار پهناورتر از وسعت قلمرو ساسانیان است. حتی در این متن، عربستان و آفریقا هم جزو قلمرو ایران معرفی شده‌اند. داده‌های این متن در مورد جغرافیای ایران‌شهر تا حدودی نزدیک به سرزمین‌های ذکر شده در کتیبه شاپور اول است؛ باین‌حال، محدوده جغرافیایی که متن ایران‌شهر معرفی می‌کند، وسیع‌تر از گستره سرزمین ساسانیان در دوره‌های مختلف این حکومت است (دریایی، ۱۳۸۸: ۱۳)، همچنین تقسیم‌بندی‌هایی که در منابع از سرزمین ساسانیان ذکر شده، نشان‌دهنده وسعت قلمرو آنها است. در *شهرستان‌های ایران‌شهر* در باب کوست‌ها چنین آمده است: ۱- کوست خراسان ۲- کوست خوربران ۳- کوست نیمروز ۴- کوست آذربایجان. این کوست‌ها نیز حدود قلمرو ساسانیان را نشان می‌دهند. کوست خراسان

۱. غیر ایرانی‌ها

یا مشرق شامل بخش شرقی قلمرو ساسانیان و بر گستره وسیعی از نواحی زیر رودخانه جیحون در شرق اطلاق می‌شد که شامل خراسان، سیستان و کرمان بود. کوست خوربران (خاوران، مغرب)، شامل جبال یا عراق عجم تا سرحد بیزانس بود. اباختر (باختر، شمال)، شامل، آذربایجان، طبرستان، ارمنستان و گرجستان و نیمروز (جنوب)، شامل پارس و خوزستان بوده است (زرین کوب، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۰).

با اقدامات شاپور اول، سرزمین ساسانیان در عصر این پادشاه به اوج گستردگی خود رسید و بعد از پادشاهی او وسعت ایران‌شهر باوجود کشمکش‌های مداوم با امپراطوری روم و بیزانس دستخوش تغییر شد. در زمان خسرو اول و خسرو دوم، قلمرو ساسانیان از رود فرات در غرب فراتر رفت و آنها سرزمین خود را تا مصر و آسیای صغیر و عربستان گسترش دادند (دریایی، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ باوجوداین، قلمرو اصلی ساسانیان حتی در دوران ضعف این سلسله، همچنان با مرزهای طبیعی فلات ایران کمابیش همسان بوده است.

موقعیت جغرافیایی و راه‌های بازرگانی قلمرو ساسانیان

سرزمین ساسانیان در میان تمدن‌های دنیای باستان مانند چین و هند و روم از موقعیت میانه‌ای برخوردار بود. این موقعیت جغرافیایی موجب شده بود که راه‌های تجاری و ارتباطی این تمدن‌ها از سرزمین ساسانیان یا کناره‌های آن عبور کنند. قرار گرفتن سرزمین ساسانیان در مسیر راه‌های تجاری بین شرق و غرب، درآمدهای گمرکی و ترانزیتی قابل‌توجهی برای ساسانیان داشت (فرانک و براونستون، ۱۳۷۶: ۱۵۵).

موقعیت ویژه جغرافیایی ایران به‌عنوان راه ارتباطی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا که راه‌های مهم بازرگانی شرق و غرب از آن می‌گذشت، مهم‌ترین مزیت جغرافیایی این سرزمین بود (اله‌یاری، ۱۳۹۳: ۹). تجارت ابریشم و دریافت حقوق گمرکی از بازرگانانی که از ایران عبور می‌کردند، از منابع درآمد اصلی ساسانیان بود (رضا، ۱۳۷۲: ۸۷). از مهم‌ترین و معروف‌ترین شاهراه‌ها، راه بزرگ شرق به غرب بود. این شاهراه با طول هشت هزار کیلومتر، چین را به آسیای صغیر متصل می‌کرد. در مسیر این جاده بزرگ و راه‌های منشعب از آن در ادوار مختلف تاریخ ایران، شهرهایی مانند سمرقند، بلخ، مرو، نیشابور، ری، همدان و تیسفون رشد چشمگیری یافتند که درآمد عمده آنها را بازار خریدوفروش کالاهای تجاری تشکیل می‌داد (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۷۹). این راه از سرزمین کاشغر و ناحیه شایبرگان (شاپورگان) تا جنوب آسیای مرکزی کشیده شده بود. سپس به خراسان می‌پیوست و از خراسان و ری و

همدان می‌گذشت و تا نصیبین در مرز روم و ایران امتداد می‌یافت و از آنجا به کنستانتینوپولیس/ قسطنطنیه می‌رسید. از دریای چین تا مرز ایران یکصد و پنجاه روز راه و از مرز شرقی ایران تا نصیبین در مرز غربی هشتاد روز راه بود (رضا، ۱۳۷۲: ۹۳). در این میان، بازرگانان سمرقندی و سغدی پا را فراتر از مرزهای ایران نمی‌گذاشتند و بازرگانان مدیترانه هم به‌ندرت از چین دیدار می‌کردند. از همین رو، بخش مهم واسطه این تجارت پرسود در دست ساسانیان بود. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، امپراتوری بیزانس چاره‌ای نداشت که نقش ایران و تسلط آن را در این تجارت به رسمیت بشناسد (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۳). گستردگی قلمرو ساسانیان موجب هم‌مرز شدن این امپراتوری با مراکز اقتصادی و تجاری مختلفی در شرق و غرب گردیده و این موضوع باعث گشایش راه‌های مختلف مواصلاتی بین این حکومت و سرزمین‌های اطرافش شده بود. نفوذ سیاسی و نظامی ساسانیان در ناحیه قفقاز، ارتباط تجاری این حکومت را با نواحی ماوراء قفقاز میسر کرده بود. اقوام ساکن شمال دریای سیاه و قفقاز مانند هون‌ها و ژرمن‌ها از طریق راهی که از کنار دریای خزر و ایالت ارمنستان به پائین می‌آمد، با مناطق مرکزی ایران در ارتباط بودند (فرنود، ۱۳۹۵: ۷۴) و در شرق، راهی از شهر بلخ به شمال هند و دره سند می‌رسید. ارتباط ساسانیان با رومیان در غرب در دنباله راه ابریشم که از جنوب ایالت ارمنستان و شمال میان‌رودان می‌گذشت و توجه ساسانیان و رومیان به این راه تجاری موجب شد که هر دو حکومت مناطقی مانند نصیبین را در میان‌رودان برای دادوستد انتخاب کنند و بازرگانان رومی و ایرانی ملزم بودند فقط در این مکان‌های مشخص‌شده به مبادلات تجاری بپردازند. محدود کردن مبادلات تجاری به این مناطق به‌منظور جلوگیری از جاسوسی اقتصادی و نظامی دو دولت نیز بوده است (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷).

راه معروف دیگری که به جغرافیای سرزمین ساسانیان منتهی می‌شد، راه دریایی بود که از رونق بسیاری نیز برخوردار بود. این راه دریایی که از سرزمین‌ها و بنادر جنوب شرقی آسیا شروع می‌شد، ارتباط بازرگانان جنوب چین، سیلان (سری‌لانکا) و هندوستان را با بنادر ساسانیان در خلیج فارس و سپس به شهرهای تجاری در میان‌رودان برقرار می‌کرد (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲۸). موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان نقشی مهم در گشایش و گسترش راه‌های تجاری و ارتباطی این حکومت با تمدن‌ها و مراکز اقتصادی شرق و غرب داشت، چنانکه ساسانیان با استفاده از همین موقعیت جغرافیایی توانستند کنترل مسیرهای تجاری را که از میان یا کناره‌های سرزمینشان عبور می‌کرد، به دست بگیرند و از این طریق

درآمدهای زیادی به دست آورند (مرسل پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۶-۱۶۵). آنان حتی با کنترل این مسیرهای تجاری توانستند در رقابت‌های بازرگانی در خشکی‌ها و دریاها از رومیان برتری داشته باشند و در دوره‌ای نیز توانستند به قدرت انحصارگرایی در مبادلات تجاری بین شرق و غرب دست پیدا کنند.



نقشه راه بزرگ شرق به غرب دریایی

(Brosius, 2006: 123)

موقعیت جغرافیایی و سیاست انحصارگرایی تجاری دولت ساسانی در روابط خارجی

فلات ایران به سبب موقعیت ویژه جغرافیایی در جهان، همواره در کانون توجه قدرت‌های جهانی قرار داشت و حفظ این مزیت جغرافیایی و نظارت انحصاری بر راه‌های بازرگانی شرق و غرب از اهداف حکومت‌ها بود. موقعیت حساس جغرافیایی ایران، قدرت رقیب ایران را به چاره‌جویی برای دستیابی به راه‌هایی تازه، خارج از نظارت ایران وامی‌داشت (اللهیاری،

۱۳۹۳: ۹) و ساسانیان نیز همانند دیگر حکومت‌هایی که در این سرزمین شکل گرفتند، از این مزیت جغرافیایی فلات ایران در زمینه فعالیت‌های تجاری خود استفاده کردند.

ابریشم و کالاهای نفیس دیگر در امپراتوری روم طرفدار زیادی داشتند و منبع تولید ابریشم نیز امپراتوری چین بود و راه معروف ابریشم که این کالای گران‌بها از طریق آن به غرب صادر می‌شد، از میان فلات ایران می‌گذشت و البته این راه در کنترل دولت ساسانی بود. دولت روم نیز ناچار بود که تسلط ایران بر تجارت با شرق را بپذیرد (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۳). هرگاه بازرگانان رومی کالائی را از شرق دور و هندوستان دریافت می‌کردند و این کالا از خاک ساسانیان به مناطق مرزی دجله و فرات وارد می‌شد، می‌بایست عوارض گمرکی بپردازند که میزان و نحوه آن را دولت ساسانی تعیین می‌کرد (شفیعی، ۱۳۹۵: ۸). عوارض گمرکی که از بازرگانان گرفته می‌شد و عوایدی که از این راه حاصل می‌شد، صرف تجهیزات سپاه ساسانیان و گسترش حملات نظامی به سوی غرب می‌گردید (انگلبرت و وینتر، ۱۳۸۶: ۱۶۲). رومیان تلاش زیادی کردند تا از این انحصار و فشاری که دولت ساسانی به آنان وارد می‌کرد، رهایی یابند. آنان به تکاپوی یافتن راه‌های جدیدی برای دور زدن سرزمین ساسانیان برآمدند و به دنبال این موضوع، رومیان سعی کردند تا این مانع جغرافیایی را از طریق دریای سرخ و نفوذ در یمن که دولت ساسانی بر آن مسلط بود، دور بزنند (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۲۴۶)؛ اما دولت ساسانی با تصرف یمن در دوره خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م.) و گسترش نفوذ خود در این منطقه، همچنان سیاست خود را در مقابل رومیان دنبال کرد. راه دیگری که دولت روم برای دور زدن جغرافیای ایران پیش گرفت، از شمال دریای خزر و ناحیه قفقاز می‌گذشت، اما عبور از این راه بسیار گران و همراه با مخاطره بود. اقوام مهاجم هر لحظه ممکن بود اموال کاروانیان را به غارت برند، اما راه ایران کوتاه‌تر و مطمئن‌تر بود (مشکور، ۱۳۷۱: ۷۸۶-۷۸۵). دولت روم با برقراری روابط سیاسی و دیپلماتیک با ترکان در شرق قلمرو ساسانیان سعی کرد که آنان را علیه ساسانیان تحریک به جنگ کند. هم ترکان و هم رومیان از اینکه ساسانیان سد راه آنان بودند، به دنبال راه چاره‌ای برای عبور از خاک ایران برآمدند. ایستمی‌خان (سنجیو خاقان) فرمانروای سغد را نزد یوستینیانوس^۱ دوم امپراتور روم فرستاد. امپراتور نیز یکی از سران سپاه خود را به همراه وی نزد ایستمی‌خان فرستاد و قرار بر این شد که ترکان و رومیان به اتفاق یکدیگر ایران را مورد حمله و تاخت‌وتاز قرار دهند (رضا، ۱۳۷۲: ۹۷-۹۶)؛ اما ترکان نیز ناتوان در عبور از

^۱. Justinianus.

استحکامات دفاعی ساسانیان در مرزهای شرقی بودند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۵۵)؛ بنابراین، سیاست رومیان برای رهایی از سیاست انحصارگرایی دولت ساسانی که موجب شده بود نه تنها از تجارت مستقیم با شرق محروم شوند، بلکه مقدار زیادی از طلای رومیان نیز به ایران سرازیر شود، بی نتیجه ماند (رضا، ۱۳۷۲: ۹۴).

تسلط حکومت ساسانی بر فلات ایران و راه‌های تجاری و بازرگانی آن، مانع دادوستد مستقیم امپراتوری روم با چین و هند شده بود. این موقعیت جغرافیایی به دولت ساسانی این امکان را داده بود تا بتواند در تجارت با شرق و غرب به کنترل راه‌های بازرگانی و انحصار برخی از کالاها بپردازد. در واقع، ساسانیان نه تنها سود کلانی از تجارت و بازرگانی و واسطه‌گرایی به دست آوردند، بلکه از موقعیت ژئواکونومی سرزمین خود در جهت فشار اقتصادی و سیاسی بر دولت بیزانس، دشمن خود در غرب استفاده کردند.

روابط خارجی، فعالیت‌های تجاری و بازرگانی ساسانیان در غرب قلمرو

الف: موقعیت ژئواکونومی میان‌رودان و اهمیت آن در فعالیت‌های اقتصادی ساسانیان
موقعیت جغرافیایی منطقه میان‌رودان در غرب قلمرو ساسانیان، افزون بر آنکه در فعالیت‌ها و تنش‌های نظامی میان ساسانیان و رومیان مؤثر واقع شده بود، در فعالیت‌های اقتصادی این سلسله نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود (بروسیوس، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۱۶). این سرزمین از دوره اشکانیان تا اواخر عمر حکومت ساسانیان محلی برای رویارویی و رقابت نظامی و اقتصادی میان روم و دو قدرت حاکم در فلات ایران بود (Rezakhani, 2017: 16)؛ کرتیس، ۱۳۹۴: ۲۶) و در واقع، جدای از ژئوپلیتیک حساس، از موقعیت ژئواکونومیک نیز برخوردار بود. از مهم‌ترین دلایل نبردهای بی‌پایان ساسانیان و رومیان در شمال میان‌رودان و ارمنستان، دستیابی به مناطق سوق‌الجیشی و مرزی بین دو امپراتوری بود که بازارهای اصلی دادوستدشان را نیز شامل می‌شد و درآمد تجاری آن برای هیچ‌یک از دو طرف قابل چشم‌پوشی نبود (فرنود، ۱۳۹۵: ۲۴).

شاید علت بسیاری از نبردها و درگیری‌های میان ساسانیان و رومیان به موقعیت و اهمیت ژئواکونومیک میان‌رودان و سرزمین‌های پیرامون و راه‌های بازرگانی آن برمی‌گشت، زیرا ثروت و تجارت پرونق این سرزمین درآمدهای زیادی برای خزانه این دو امپراتوری در پی داشت (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۱۶). در واقع، راه‌های بازرگانی مختلفی به میان‌رودان متصل بود، هم از سمت شرق خلیج فارس و در حاشیه ساحلی شبه‌جزیره عربستان و نیز از طریق

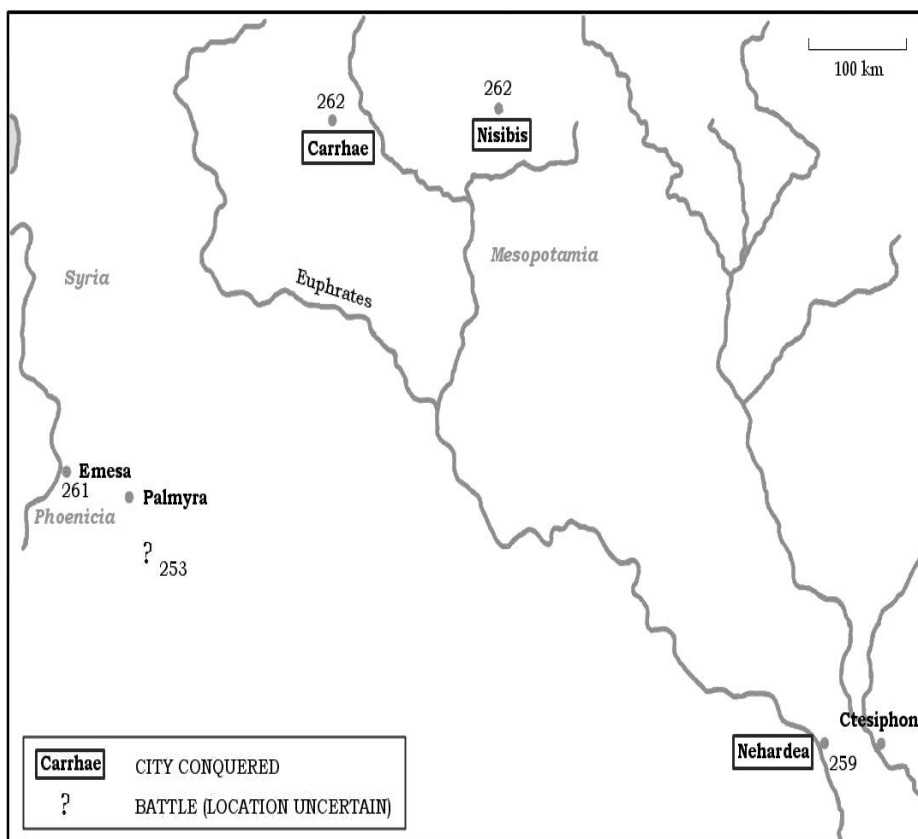
خود خلیج فارس. کالاها و اجناس شرقی که از هند و چین می‌آمدند، از این راه‌ها به مدیترانه و از آنجا به اروپا و شرق آفریقا و دیگر نواحی امپراتوری روم فرستاده می‌شد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۷۳-۷۱).

ساسانیان از همان ابتدا به اهمیت اقتصادی و منابع سرزمین‌های غربی قلمروشان پی برده بودند (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۳۰). آنان با تصرف این نواحی تلاش کردند از موقعیت ژئواکونومیک این سرزمین‌ها در رقابت و فشار اقتصادی بر رومیان بهره ببرند (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۱)، به همین دلیل، اردشیر اول و شاپور اول در نخستین حملات خود در جهت غرب فلات ایران سعی کردند راه‌های مواصلاتی و تجاری را که منبع درآمد رومی‌ها و قدرت‌های وابسته به امپراتوری روم نظیر پالمیر و هترا در کناره‌های غربی و شمالی میان‌رودان و متصل به صحرای سوریه و شمال شبه‌جزیره عربستان بودند، مورد هدف قرار دهند (لوکونین، ۱۳۷۲: ۱۱۴). اردشیر اول بندر میشان یا خاراکس را که از موقعیت تجاری مهم در دهانه خلیج فارس برخوردار بود، تصرف کرد و با این اقدام رشته تجارت پرسود میان پالمیر و خلیج فارس و هند را قطع کرد (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۴۴). بعد از آن به سمت کناره‌های غربی خلیج فارس حمله کرد و به‌صورت مستقیم راه تجاری شرق شبه‌جزیره عربستان را تصرف کرد و تا بحرین پیش رفت (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۴/۲).

ساسانیان شهرهایی را نیز در مسیرهای تجاری ایجاد کردند. شهرهایی مانند: به‌اردشیر در سلوکیه یا استرآباد اردشیر در کرخ میشان و «وَهْشْت‌آباد اردشیر»^۱ از آن جمله بودند که از موقعیت ژئواکونومیک و ثروت زیادی برخوردار بودند و توسط شاهان ساسانی برای گسترش تجارت ایجاد شدند (لوکونین، ۱۳۷۲: ۶۴). حملات اردشیر و شاپور اول در واقع تلاشی بود تا کنترل و سلطه تجاری این حکومت‌های نیمه‌مستقل در میان‌رودان را از میان بردارند و خود به‌صورت مستقیم امور تجاری و بازرگانی این منطقه را بر عهده بگیرند (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۴۵). دولت ساسانی وجود این دولت‌شهرها و همراهی آنها با روم را مانعی برای اهداف اقتصادی خود در میان‌رودان و حوزه خلیج فارس می‌دید و در صدد کنترل و از میان بردن موقعیت اقتصادی آنان برآمد (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۴۶). پس‌ازآنکه مسیرهای تجاری و شهرهایی مانند دورا اروپوس، پالمیر و هاترا قدرت اقتصادی خود را از دست دادند و تحت سلطه حکومت‌های ساسانی و رومی درآمدند، از اهمیت و موقعیت ژئواکونومیک میان‌رودان و سرزمین‌های حائل دو قدرت ساسانی و رومی کاسته نشد

و مناطق دیگر در این ناحیه تبدیل به مکانی برای دادوستد و انجام امور تجاری شدند و مناطقی مانند نصیبین، کالینگوم و آرتاکستا در میان‌رودان و شمال شبه‌جزیره عربستان دارای موقعیت مهم اقتصادی در روابط تجاری میان امپراتوری ساسانی و رومیان شدند (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷). در واقع، «پس از تخریب هاترا، دورا اروپوس و پالمیر، مسیرهای تجاری از فرات به دجله انتقال پیدا کرد» (ماکسمیوک، ۱۳۹۷: ۲۱).

دولت‌های ساسانی و رومی در کشاکش و رقابت‌های اقتصادی، نقاط دیگری را به‌عنوان محل دادوستد انتخاب کردند و مکان‌های گمرکی خود را به این مناطق منتقل کردند. اهمیت موقعیت جغرافیایی میان‌رودان موجب شد که دولت ساسانیان و رومیان مناطقی را برای انجام مبادلات تجاری و اقتصادی خود در این ناحیه انتخاب کنند. شهر نصیبین از موقعیت جغرافیایی مهم در شمال میان‌رودان برخوردار بود و به عنوان منطقه‌ای سوق‌الجیشی و اقتصادی شناخته شده بود. تجارت آن‌سوی دجله می‌بایست از طریق نصیبین انجام می‌شد و تجارت با ارمنستان به منطقه آرتاکستا منتقل شد و تجارت با مناطق جنوبی، به‌خصوص با قبایل متعدد عربی که در محدوده سرزمین سوریه می‌زیستند، از طریق کالینکوس انجام می‌گرفت (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷). این قدرت‌ها سعی می‌کردند که نواحی و راه‌های متصل به میان‌رودان را به قلمرو خویش اضافه کنند و سیاست اقتصادی که ساسانیان با کنترل برخی از نواحی ژئواکونومیک در میان‌رودان پیش گرفتند، موجب شد که رقیب اقتصادی آنان در تکاپوی یافتن راه‌های جدیدی برای تجارت با شرق برآید و به همین علت، دامنه این رقابت‌ها به مناطق دیگری نظیر عربستان و دریای سرخ کشیده شد.



نقشه میان‌رودان
(Maksymiuk, 2015:44)

ب: موقعیت ژئواکونومی ارمنستان و اهمیت آن در فعالیت‌های اقتصادی ساسانیان در جهت شمال غرب سرزمین ساسانیان، موقعیت طبیعی و جغرافیایی ناحیه قفقاز و ارمنستان هم به جهت قرار گرفتن بر سر راه تجاری شرق به غرب و هم به جهت موقعیتی که برای امنیت مرزهای دو ابرقدرت شرق و غرب داشت، همواره از اهمیت زیادی در کشمکش‌های دو دولت روم و ساسانی برخوردار بود (مرسل‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۶۴). سلطه بر ارمنستان باعث می‌شد که «ساسانیان را نه تنها از نظر برخورد‌های قریب‌الوقوع با رومیان، بلکه حتی از لحاظ اهمیت نظامی و بازرگانی ناحیه قفقاز در موقعیت سوق‌الجیشی مهم قرار دهد» (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲).

نزاع بر سر کنترل ناحیه استراتژیک قفقاز و ارمنستان در شمال غربی قلمرو ساسانیان از زمان اردشیر اول تا پادشاهی شاپور دوم ادامه داشت. سر آخر، دو دولت روم و ساسانی به

این نتیجه رسیدند که این سرزمین سوق الجیشی را میان خود تقسیم کنند. در زمان حکومت شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳ م.) ارمنستان به صورت رسمی به دو بخش میان ساسانیان و رومیان تقسیم شد و این موضوع تا حدودی از تنش‌های نظامی میان این دو دولت کاست (احمدی و طلایی، ۱۳۹۲: ۷؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۲). موضوع تقسیم ارمنستان میان دو قدرت ساسانی و روم خود نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این ناحیه برای دو قدرت شرق و غرب بود. در زمان خسرو اول، تنش برای کنترل ناحیه قفقاز بار دیگر شکل گرفت. منافع اقتصادی دو دولت در این منطقه نقشی مهم در بروز جنگ میان هر دو قدرت داشت. گویا ساسانیان در تلاش بودند تا از موقعیت جغرافیایی این منطقه برای بسط و گسترش فعالیت‌های تجاری خود در دریای سیاه اقدام کنند (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۲۷۳-۲۶۸). رومی‌ها در دریای سیاه استحکامات ساحلی ایجاد کرده بودند و شهر پترا که امروزه باطوم نام دارد، در کنار دریای سیاه تبدیل به مرکزی برای بازرگانان و تجار رومی شده بود و منافع اقتصادی ساسانیان را به خطر می‌انداخت. بنابراین، خسرو انوشیروان به حمایت از پادشاه لازیکا [لازقه] برای بیرون راندن رومیان از این منطقه اقدام کرد (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۲۵۸-۲۵۷). ساسانیان به دنبال منافع اقتصادی خود در این منطقه، در رقابت مستمر با رومیان بودند. خسرو انوشیروان در حملات مکرر خود به ناحیه قفقاز طی سال‌های ۵۴۸-۵۴۱ م. توانست بر لازیکا مسلط شود (مشکور، ۱۳۷۱: ۲۸۸-۲۸۷). ساسانیان با تصرف لازیکا توانستند از موقعیت تجاری دریای سیاه استفاده کنند و حتی به ایجاد نیروی دریایی در دریای سیاه نیز اقدام کردند (شیپمان، ۱۳۸۴: ۶۸).

رومیان که سیادت خود را در دریای سیاه در خطر دیدند، برای پایان سلطه ساسانیان، اقدامات نظامی و دیپلماتیک زیادی انجام دادند (ماکسمیوک، ۱۳۹۷: ۸۳). با این حال، ساسانیان نیز نمی‌خواستند از موقعیتی که در کناره غربی دریای سیاه به دست آورده بودند، عقب‌نشینی کنند. در قرارداد صلح سال ۵۵۲ م. خسرو انوشیروان حاضر نشد که لازیکا را به رومی‌ها پس دهد، زیرا او به موقعیت و اهمیت این پایگاه نظامی در کناره دریای سیاه پی برده بود. هرچند در قرارداد صلح پنجاه ساله‌ای که در سال ۵۶۱ م. منعقد شد، لازیکا را به رومیان پس داد، اما دولت روم در ازای این منطقه استراتژیک، متعهد به پرداخت مبلغی حدود سی هزار سکه طلا به ساسانیان شد (مشکور، ۱۳۷۱: ۲۸۸).

موقعیت جغرافیایی و مراکز اقتصادی در شرق قلمرو ساسانیان

در شرق سرزمین ساسانیان، مراکز اقتصادی مهم وجود داشت؛ مراکز اقتصادی مانند سغدیان و ماوراءالنهر (فرارودان) که از طریق تجارت ابریشم و ارتباط با امپراتوری چین در شرق و اقوام بیابانگرد سیبری در شمال به قدرت و ثروت زیادی دست یافته بودند (فرنود، ۱۳۹۵: ۳۶). ایالت سغد در شرق قلمرو ساسانیان یکی از مهم‌ترین مکان‌های اقتصادی و اوج شکوفایی آن در نیمه دوم قرن سوم در زمان فرمانروائی ساسانیان بود (مشکور، ۱۳۷۱: ۷۸۲). سغدیان به بازرگانی و تجارت در شرق و مسیر راه ابریشم معروف بودند و در چین، آسیای مرکزی، اروپا و ایران به تجارت می‌پرداختند. آنها در روزگار ساسانیان از بازرگانان بزرگ آسیای مرکزی بودند. و شهرهایی مانند سمرقند، بخارا، ترمذ، بیکنند و بلخ از شهرهای تجاری در شرق قلمرو ساسانیان بودند که حتی در دوره‌هایی نیز جزو قلمرو ساسانیان به‌شمار می‌رفتند (شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۲).

شاپور اول برای حفاظت از مرزهای شرقی خود، پایگاه دفاعی در ناحیه اَبَرشهر/ ابرشهر یا نیوشاه‌پوهر/ نیوشاپور (نیشابور) در ایالت خراسان ایجاد کرد و ساسانیان از این منطقه، فعالیت‌های نظامی و اقتصادی خود را در شرق دنبال می‌کردند (فیشر، ۱۳۸۴: ۸۷/۱). نقش دفاعی نیشابور برای دفاع از مرزهای شرقی همانند نقش پیروزشاپور (انبار) در غرب ایران بود (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۱۵۵). شاپور اول در انتخاب نیشابور به موقعیت استراتژیک این منطقه برای دفاع از مرزهای شرقی و همچنین دادوستدهای تجاری و موقعیت بازرگانی این منطقه به‌منظور فعالیت‌های اقتصادی با شرق توجه داشته است. این شهر یکی از مهم‌ترین مراکز اصلی ضرب سکه نیز بود و ضرب سکه در این منطقه نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی و نظامی آن برای دولت ساسانی است. وجود ضرابخانه در این منطقه از دو جهت برای دولت ساسانی ضروری بود؛ از یک طرف برای آنکه مبادلات تجاری با شرق راحت‌تر صورت بگیرد و دیگر لازم نباشد پول را از ضرابخانه‌های تیسفون و ایالت‌های دیگر به شرق ببرند و با ضرب سکه در این منطقه مبادلات تجاری آسان‌تر انجام بگیرد. آن دیگری، ضرب سکه در این منطقه خود نشان‌دهنده ضرورت تأمین مخارج جنگ در مرزهای شرقی بوده است (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۲۹).

سمرقند و بخارا در منطقه سغد از مراکز ارتباطی ساسانیان با چینیان بودند. همچنین مرو از شهرهای شرقی قلمرو ساسانیان بود و قرار داشتن این شهر در کنار راه بزرگ شرق به غرب بر اهمیت و ثروت آن افزوده بود و چون مرز بین اقوام مهاجم آن‌سوی آسیای

مرکزی با اقوام ایرانی بود، اهمیت نظامی فوق‌العاده زیادی داشت. چنانکه بیشترین برآوردهای نظامی ساسانیان در این محل رخ داده است (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۱۲۱). خوارزم^۱ و مرکز آن اورگنج نیز در تجارت با سیبری و آسیای مرکزی از موقعیتی مهم برخوردار بود و راهی تجاری، این منطقه را به مرکز ایران متصل می‌کرد (فرنود، ۱۳۹۵: ۷۴). وجود ضرابخانه‌های ساسانیان در شهرهایی مانند مرو و نیشابور نشان‌دهنده مبادلات تجاری گسترده ساسانیان در مسیر تجاری ابریشم در شرق و روابط اقتصادی دولت ساسانی در شرق است. تعداد زیادی از سکه‌های نقره و ظروف و سایر آثار ساسانی در ترکستان و آسیای مرکزی در روسیه و چین به دست آمده است (Harper, 2006: 115).

تجارت گسترده ساسانیان با مراکز اقتصادی در شرق موجب شد که ارزش پول ساسانیان بالا برود و درهم نقره ساسانی مدلی برای سایر پول‌ها در شرق شد که به‌ویژه نزد هفتالیان یا در بخارا ضرب می‌گردید (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۷۲). بنابراین، شرق قلمرو ساسانیان به مراکز اقتصادی مهم مانند سرزمین ثروتمند ماوراءالنهر که دارای مراکز اقتصادی زیادی بود، منتهی می‌شد. از این طریق، تجارت و فعالیت‌های اقتصادی ساسانیان رونق زیاد داشت و موجب گسترش مبادلات تجاری در شرق شده بود.

موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و تأثیر آن بر روابط خارجی و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی ساسانیان

یکی از ویژگی‌های جغرافیایی سرزمین ساسانیان که تأثیری مهم بر درآمدهای اقتصادی آنان داشت، موقعیت دریایی سرزمین آنان بود. خلیج فارس در جنوب قلمرو ساسانیان از اهمیت زیادی در گسترش فعالیت‌های تجارت و بازرگانی برخوردار بود. خلیج فارس این امکان را به ساسانیان داده بود تا در زمینه تجارت دریایی، فن کشتی‌سازی، ایجاد بندرها، رقابت‌های اقتصادی با رومیان و تجارت با شرق موقعیت برتری داشته باشند.

ساسانیان به‌منظور پیشرفت در تجارت و جهت مقابله با قدرت دریایی روم و کنترل و حفظ شبکه ارتباط تجاری بین چین و هند با دریای سرخ و مدیترانه، متوجه جنوب، یعنی خلیج فارس شدند و سواحل آن را تصرف کردند و نفوذ خود را در جهت کنترل این دریای استراتژیک گسترش دادند (اسدبین، ۱۳۹۰: ۲۷). آنها از همان ابتدا توجه زیادی به تسلط

^۱. کرانه سفلی آمودریا تا پیرامون دریای آرال را ایالت خوارزم تشکیل می‌داد.

نظامی و اقتصادی بر خلیج فارس داشتند و می‌خواستند این راه بازرگانی را کاملاً در اختیار خود بگیرند (فرنود، ۱۳۹۵: ۲۴).

به دنبال در خطر افتادن مسیرهای تجاری جاده ابریشم به علت کشمکش میان ساسانیان و رومیان در میان‌رودان و ارمنستان، مسیرهای تجاری خلیج فارس و راه‌های دریایی و کرانه‌ای خلیج فارس مورد توجه هر دو حکومت قرار گرفتند (شفیعی، ۱۳۹۵: ۷) و ساسانیان در این رقابت‌های اقتصادی از موقعیت برتری نسبت به قدرت‌های منطقه در آن زمان برخوردار بودند. از سخنان پروکوپئوس نیز می‌توان به برتری موقعیت جغرافیایی ساسانیان در تجارت با شرق نسبت به رومیان پی برد. او می‌گوید: «در موضوع تجارت ابریشم، ایرانیان چون نزدیک‌تر به هندوستان هستند، همیشه از کشتی‌هایی که از آنجا می‌آید زودتر در بندرها می‌خرند و مجالی برای حبشی‌ها باقی نمی‌گذارند» (پروکوپئوس، ۱۳۴۷: ۹۸).

بنابراین، خلیج فارس و کرانه‌ها و بنادر آن در دوره ساسانیان پررونق‌ترین دوره خود را در دوره باستان تجربه کرده‌اند (ساکي مفرد، ۱۳۹۱: ۵). وجود بنادر مختلف در کرانه‌های خلیج فارس در دوره ساسانیان و همچنین راه‌های تجاری متصل به خلیج فارس چه از طرف ایالت فارس یا میان‌رودان و چه از کرانه‌های شرقی و جنوبی شبه‌جزیره عربستان خود نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس در تجارت با شرق و درآمدهای مالی برای ساسانیان است (ضرغامی، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۶). آنها در فعالیت‌های بازرگانی تا سریلانکا با امپراتوری بیزانس رقابت می‌کردند و به نظر می‌رسد یک مهاجرنشین ایرانی در مالزی وجود داشت (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲۰). اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۴ م.) بندرها و راه‌های تجاری و سواحل خلیج فارس را به تصرف خود درآورد تا از این طریق تجارت مستقیم را با شرق به دست بگیرد و از طرف دیگر، دست روم را از تجارت مستقیم در خلیج فارس کوتاه کند (Brosius, 2006: 182-185).

از عوامل مهم در ایجاد شهرهای تجاری و بازرگانی، دادوستد کالا و تجارت است و این مهم میسر نمی‌گردد، مگر اینکه راه‌های خشکی و آبی در یک منطقه گسترش پیدا کنند و زمینه‌های لازم مانند ایجاد کاروانسراها یا بندرها فراهم شوند؛ ساسانیان نیز این مسئله را درک کرده بودند (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۹). بنابراین، غالب شهرهایی که اردشیر اول ساخت، در مسیرهای تجارت دریایی و خشکی بودند و شهرهای ساسانیان در نواحی کرانه‌ای خلیج فارس به‌صورت پایگاه دریایی و بندری بودند. شهرهایی مانند بتن اردشیر،^۱ رام

۱. برخی می‌گویند این شهر در بحرین بوده است.

اردشیر، ریو اردشیر و وهشت‌آباد اردشیر^۱ در مسیرهای تجاری ایجاد شده‌اند. در دوره ساسانیان از بصره تا بوشهر و سواحل عمان شهرهای بندری ایجاد شدند و رونق چشمگیری نیز داشتند (ساکي‌مفرد، ۱۳۹۱: ۴۸-۴۷).

ساسانیان برای استفاده از موقعیت ژئواکونومیک خلیج فارس به گسترش بنادر در کرانه‌های این دریا و ساخت دژهای نظامی در مناطق حساس و سوق‌الجیشی پرداختند. از جمله این بندرها که اهمیت زیادی برای مبادلات تجاری ساسانیان داشتند، بندر اُبله^۲ بود (وثوقی، ۱۳۸۴: ۷۹). یکی دیگر از بنادر مهم در حوزه خلیج فارس که در دوره ساسانی آباد شد، بندر ریواردشیر بود. این بندر از دوره اشکانی نیز فعال بوده و توسط اردشیر اول بازسازی شد (معتکف و اسفندیاری، ۱۳۸۶: ۲۷). یکی دیگر از مهم‌ترین و آبادترین بندرهای دوره ساسانیان بندر سیراف^۳ بود. این شهر بندرگاه اصلی شهر فیروزآباد، نخستین پایتخت ساسانیان و راه میان این شهر و ساحل بوده است (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۱۴۶). اردشیر بابکان، سیراف را به‌منظور بهره‌مندی از سود سرشار تجارت دریایی مورد توجه قرار داد. سیراف و ابله مهم‌ترین بنادر ساسانی در خلیج فارس به حساب می‌آمدند که با گسترش فعالیت‌های خود با اقیانوس هند و سواحل چین و دریای سرخ، نقش پررنگی در تجارت دریایی ساسانیان ایفاء کردند (اسدبین، ۱۳۹۰: ۳).

در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بنادر دیگری نیز ایجاد شد که مهم‌ترین آنها بندر مسقط در عمان است که دوره سلطنت خسرو اول ساخته شد و دیگر بندرها، صُحار^۴ و جلفار^۵ بودند (کیانراد، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۰). این سواحل به‌عنوان مهم‌ترین لنگرگاه کشتی‌هایی که از ایران به هند و دریای سرخ سفر می‌کردند، مورد توجه پادشاهان ساسانی بودند. در اوایل قرن ششم میلادی، تجار ایرانی در سیلان به‌عنوان دریافت‌کنندگان کالاهای چینی از جمله ابریشم شناخته شده بودند و تجارت سیلان در انحصار ایرانیان و حبشیان بود (شفیعی، ۱۳۹۵: ۶۲). آگاهی‌های باستان‌شناسی مانند کشف سکه‌های ساسانیان چه در بنادر خلیج فارس و چه در شرق مانند سیلان (سریلانکا) اهمیت و گستردگی فعالیت‌های تجاری ساسانیان از طریق راه‌های دریایی را نشان می‌دهد (قاسم بگلو، ۱۳۸۵: ۲۱؛ پیگولوفسکایا، ۱۳۸۷: ۳۵۵).

^۱. اکنون بندر بصره است.

^۲. طبری از این بندر با عنوان «فرج‌الهند» یا «دروازه هند» نام برده است. این بندر در نزدیکی بصره قرار داشت.

^۳. این بندر معروف به دروازه فیروزآباد بود.

^۴. Suhar

^۵. Jurrafar

ساسانیان با استفاده از موقعیت دریایی سرزمین خود در زمینه ایجاد بندرها و شهرهای تجاری و همچنین گسترش کشتیرانی در خلیج فارس و اقیانوس هند به قدرت برتر دریایی تبدیل شدند و در رقابت‌های تجاری با رومیان آنان را کنار زدند (سامی، ۱۳۹۳: ۲۰۲-۲۰۱). فعالیت‌های بازرگانی ساسانیان در دریاها و بندرهای مختلف به واسطه موقعیت جغرافیایی که داشتند، در شرق و غرب گسترش زیادی پیدا کرده بود. پیگولوفسکایا در باب گستردگی فعالیت‌های تجاری ساسانیان در سده ششم میلادی تأکید می‌کند که:

«باید نسبت به لنگرگاه‌های سواحل دریای سرخ، جزایر یوتابا،^۱ بندرهای اقیانوس هند، جزایر سراندیب (سیلان) بندرهای غربی هندوستان و لنگرگاه‌های خلیج فارس که دریانوردان و بازرگانان ایرانی بدان نواحی رفته‌اند، توجه لازم معطوف داشت» (پیگولوفسکایا، ۱۳۸۷: ۳۵۸).

تسلط ساسانیان بر خلیج فارس، موقعیت دریایی آنها را مستحکم کرد و موجب تحکیم روابط تجاری با هند و چین در این دوره شد. نقش موقعیت جغرافیایی ساسانیان در این زمینه مهم بوده است؛ زیرا خلیج فارس حد میانه‌ای بود که همانند راه ابریشم، شرق را به غرب متصل می‌کرد. همچنین راه دریایی بسیار مهم وجود داشت که خلیج فارس و میان‌رودان را به هند، چین و بندرهای شرقی آفریقا متصل می‌کرد (فرنود، ۱۳۹۵: ۲۴).

نتیجه‌گیری

موقعیت جغرافیایی قلمرو ساسانیان در میان تمدن‌هایی مانند هند و چین در شرق و روم در غرب موجب شد که سرزمین آنان نقطه اتصال این تمدن‌ها شود. بدین‌سان، راه‌های تجاری و بازرگانی مانند راه بزرگ شرق به غرب، راه ادویه و شاخه‌های منشعب از آنها که تجارت بین شرق و غرب از این مسیرها صورت می‌گرفت، به سرزمین ساسانیان منتهی می‌شد. این مسئله در پیشرفت و درآمدهای مالی حکومت ساسانیان نقش برجسته‌ای داشت و درآمدهایی که از ترانزیت کالاها و گمرک به خزانه ساسانیان واریز می‌شد، قابل توجه بود. همچنین موقعیت ژئواکونومیک سرزمین ساسانیان نقشی مهم در روابط خارجی، اجرای سیاست‌ها و اهداف اقتصادی این حکومت داشت. حکومت ساسانی به واسطه موقعیت جغرافیایی سرزمین خود، توانایی کنترل جریان‌های تجاری و بازرگانی به خصوص راه بزرگ شرق به غرب را داشت. حکومت ساسانی در رقابت اقتصادی خود با رومیان توانست سد راه

^۱. Yotaba

تجارت مستقیم آنان با شرق بشود. موقعیت جغرافیایی در سیاست‌های اقتصادی ساسانیان از جمله سیاست انحصارگرایی اقتصادی میان شرق و غرب، تأثیری مهم داشت و در واقع، موقعیت جغرافیایی ساسانیان، توانایی کنترل تجارت میان شرق و غرب را برای این حکومت فراهم کرده بود. پیشرفت تجارت دریایی ساسانیان و گستردگی آن تا شرق و اقیانوس هند و دریای سرخ را باید از امتیازات موقعیت دریایی آنان به‌ویژه در خلیج فارس دانست. سهم خلیج فارس به‌عنوان یک عامل طبیعی و جغرافیایی در این پیشرفت و تجارت دریایی بسیار چشمگیر بوده است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آلتهایم، فرانتس و دیگران، ۱۳۸۲، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه: هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اچ. بیکر، الن، ۱۳۹۲، *جغرافیا و تاریخ (پیوند مرزها)*، ترجمه: مرتضی گودرزی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اسدیین، زهرا، ۱۳۹۰، *فعالیت‌های نظامی، تجاری ساسانیان در خلیج فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- اله‌یاری، فریدون، ۱۳۹۳، *اعراب و راهبرد نظام ساسانی در بین‌النهرین و خلیج فارس و جزیره‌العرب*، تهران: امیرکبیر.
- بروسیوس، ماریا، ۱۳۹۵، *ایران باستان*، چاپ سوم، ترجمه: عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی.
- بیک‌محمدی، حسن، ۱۳۷۷، *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ، ۱۳۸۷، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- پاشازانوس، حمیدرضا، ۱۳۹۴، *سیراف: تجارت دریایی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی*، "پژوهش‌های ایران‌شناسی"، سال پنجم، شماره ۱: بهار و تابستان، صص ۶۳-۵۰.
- پروکوپیوس، ۱۳۴۷، *جنگ‌های ایران و روم*، چاپ دوم، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- پیگولوفسکایا، نینا، ۱۳۷۲، *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم-ششم میلادی*، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ، ۱۳۸۷، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، چاپ سوم، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۸، *شهرستان‌های ایران‌شهر*، ترجمه: شهرام جلیلیان، تهران: نشر توس.

- ، ۱۳۹۲، ساسانیان، ترجمه: شهرناز اعتمادی، تهران: نشر توس.
- دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۴۴، *لذات فلسفه*، ترجمه: عباس زریاب‌خوئی، [بی‌جا]: شرکت سهامی نشر اندیشه.
- رضا، عنایت‌الله، ۱۳۷۴، *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساکی‌مفرد، صفیه، ۱۳۹۱، *تاریخ تحولات سیاسی و اقتصادی کرانه‌های عربی خلیج فارس در دوره اشکانیان و ساسانیان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- زرین‌کوب، عبدالحسین و روزبه زرین‌کوب، ۱۳۹۴، *تاریخ ایران باستان (۴)*: تاریخ سیاسی ساسانیان، چاپ دهم، تهران: سمت.
- ساکی‌مفرد، صفیه، ۱۳۹۱، *تاریخ تحولات سیاسی و اقتصادی کرانه‌های عربی خلیج فارس در دوره اشکانیان و ساسانیان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سلیمان‌زاده، علیرضا، ۱۳۹۶، *برآیند اقتصاد هم‌جواری ساسانیان با خاقانات گوک ترک غربی در عهد خسرو اول*، "پژوهش‌نامه اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصل‌نامه علمی-ترویجی"، سال هشتم، ش: ۱، صص. ۹۴-۷۱.
- شفیعی، آرین، ۱۳۹۵، *تأثیرات رقابت‌های سیاسی-اقتصادی ایران و روم شرقی (بیزانس) در دریای سرخ، اقیانوس هند و خلیج فارس در عصر ساسانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شکوئی، حسین، ۱۳۸۳، *فلسفه جغرافیا*، چاپ دوازدهم، تهران: گیتاشناسی.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران: نشر فروزان روز.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۷۵، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، جلد ۲، چاپ پنجم، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۹۶، *ژئوپلیتیک*، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
- فرانک، آیرین و دیوید براونستون، ۱۳۶۷، *جاده ابریشم*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات صداوسیما.
- فرنود، رضا، ۱۳۹۵، *اطلس تاریخی دوره ساسانی*، تهران: نشر نی.
- فیشر، ویلیام‌بین و دیگران، ۱۳۸۴، *تاریخ ایران کمبریج، سرزمین ایران*، جلد ۱، ویراستار: ویلیام بین فیشر، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- قاسم‌بگلو، مرتضی، ۱۳۸۵، *سکه‌های سیراف*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کرتیس، جان، ۱۳۹۴، *بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی (وازنش و باززایی در حدود ۲۳۸ ق. م/ ۶۴۲ میلادی)*، چاپ سوم، ترجمه: زهرا باستی، تهران: سمت.
- کریستن سن، آرتور امانوئل، ۱۳۹۱، *ایران در زمان ساسانیان*، چاپ سوم، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: نشر زرین.
- کیان‌راد، حسین، ۱۳۸۵، *جامعه و اقتصاد عصر ساسانی*، تهران: نشر سخن.

گوردن ایست، دابلیو، ۱۳۹۲، *تاریخ در بستر جغرافیا*، ترجمه: حسین حاتمی‌نژاد و حمیدرضا پیغمبری، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ، ۱۳۷۲، *تمدن ایران ساسانی*، چاپ سوم، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ماکسمیوک، کاتارزینا، ۱۳۹۷، *جغرافیای جنگ‌های ایران و روم*، ترجمه: حسین طلائی، تهران: امیرکبیر.

مختاری‌هشی، حسین، ۱۳۹۷، *تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران*، "فصلنامه ژئوپلیتیک"، سال چهاردهم، ش: ۲، صص. ۵۶-۸۲.

مرتضوی، خدایار و فریبا علی‌کرمی، ۱۳۹۳، *ژئواکونومی خاورمیانه و جهانی شدن/اقتصاد*، "مجله سیاست"، دوره چهل و چهارم، شماره: ۳۱، صص. ۶۸۵-۶۸۶.

مرسل‌پور، محسن و مرضیه فدوی، ۱۳۹۶، *بررسی جایگاه جاده‌ی ابریشم در دوره ساسانیان*، "تاریخنامه خوارزمی"، سال پنجم، ش: ۱۸، صص. ۱۶۴-۱۷۵.

مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۱، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.

معتکف، فریده و امید اسفندیاری، ۱۳۸۶، *مهم‌ترین مرکز تجارت مروارید بندر سیراف در زمان ساسانیان*، "مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف"، جلد دوم، به‌اهتمام: عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی، بوشهر: انتشارات بوشهر.

مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۷، *شهرهای ساسانی*، چاپ دوم، تهران: سمت.

نولدکه، تئودور، ۱۳۵۸، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه: عباس زریاب‌خویی، تهران: انجمن آثار ملی.

وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۴، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت.

وینتر، انگلبرت و بناته دیگناس، ۱۳۸۶، *روم و ایران: دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: فروزان‌روز.

لاتین:

- Brosius, M., 2006, *Peoples of the Ancient World: The Persians*, Routledge.
- Cowen, D. & Smith, N. 2009, "After Geopolitics? From the Geopolitical Social to Geoeconomics," *Antipode* 1, 22-48.
- Harper, P. O., 2006, *In search of a cultural identity Monuments and Artifacts of the Sasanian Near East, 3rd to 7th Century A.D.*, Bibliotheca Persica, America.
- Huyse, Ph., 1999, "Shahpur, Ka'bai-yi Zardusht", *Die dreisprachige Inschrift Shabuhr I. an. Der Ka'ba-I Zardusht*, vol. 1, Corpus Inscriptionum, London.
- Maksymiuk, K., 2015, *Geography of Roman-Iranian wars. Military operations of Rome and Sasanian Iran*, Siedlce.
- Rezakhani, Kh. 2017, *Reorienting the Sasanians East Iran in Late Antiquity*, Edinburgh University Press.

ناپایداری اوضاع خلیج فارس و ناکامی تلاش‌های دیپلماتیک

شاه سلطان حسین صفوی

جهانبخش ثواقب^۱

سروش آزادبخت^۲

چکیده

در زمامداری شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ق. / ۱۷۲۲-۱۶۹۴ م.) حاکمیت ایران بر خلیج فارس و جزایر و بنادر کرانه شمالی آن دستخوش ناپایداری‌هایی شد که از یک‌سو، رقابت شرکت‌های هند شرقی اروپایی آن را تشدید کرد و از سوی دیگر، شورش‌های اعراب عمان در دریا و تهاجمات بلوچ‌ها به سواحل بر ناپایداری‌ها افزود. تلاش‌های آخرین پادشاه صفوی برای جلب همکاری مشترک قدرت‌هایی چون انگلیس، هلند، فرانسه و پرتغال با هدف تثبیت اوضاع نافرجام ماند و پیمان همکاری نظامی ایران و پرتغال در مهار تحرکات اعراب در دریا نیز با حمله افغان‌ها به پایتخت و سقوط سلسله صفویه پیامدی نداشت. در این مقاله، تحولات پدید آمده در خلیج فارس مقارن با زمامداری آخرین پادشاه صفوی و سیاست او نسبت به این پهنه آبی به روش توصیفی-تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره، تحرکات دریایی و تهاجمات اعراب مسقط، رقابت و دخالت قدرت‌های اروپایی و سیاست متزلزل و ناکارآمد شاه سلطان حسین در ایجاد اوضاع آشفته خلیج فارس و ناپایداری حاکمیت صفویه بر این آبراه مؤثر بوده است.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، شاه سلطان حسین، خلیج فارس، تلاش‌های دیپلماتیک، ناپایداری اوضاع، ناکامی.

درجه مقاله: علمی- ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

^۱. استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد- ایران (نویسنده مسئول)

jahan_savagheb@yahoo.com

^۲. دانش‌آموخته دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، کارشناس معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه لرستان، خرم‌آباد- ایران

abtin.azad58@yahoo.com

مقدمه

خلیج فارس از دو جنبه برای صفویان اهمیت داشت. ۱. جنبه سیاسی - نظامی، به لحاظ حفظ حاکمیت خود بر آبراه‌ها و جزایر و بنادر؛ رقابت با حضور عثمانی در دریا و تأمین امنیت نواحی ساحلی؛ ۲. جنبه اقتصادی - تجاری به لحاظ عایدات گمرکات دریایی، صید مروارید و خراج سالیانه نواحی تابعه؛ حفظ تجارت دریایی و کشتیرانی بومی؛ صدور محصولات و استفاده از کشتی‌های اروپایی. از سویی در عصر صفویه - متفاوت از دوره‌های پیش از خود - با ورود قدرت‌های اروپایی به این آبراه مهم و راهبردی، در اوضاع خلیج فارس دگرگونی پدید آمد. این وضعیت موجب شد که صفویان بنا بر مقتضیات و شرایطی که در آن قرار داشتند و با توجه به برتری دریایی پرتغالیان، سیاست‌های متفاوتی را در برابر تحولات خلیج فارس اتخاذ کنند. این سیاست‌ها از مرحله «پذیرش وضع موجود» یا «سیاست انفعالی» در سده دهم قمری / شانزدهم میلادی آغاز می‌شود که نتیجه آن سیادت پرتغالیان به مدت یک سده بر منطقه خلیج فارس بود. سپس دوره «سیاست فعال و تهاجمی» عصر شاه عباس اول (۱۰۳-۹۹۵ ق. / ۱۶۲۹-۱۵۸۷ م.) است. در این مرحله، تلاش‌های مؤثری برای تثبیت حاکمیت بر نواحی اشغال‌شده توسط پرتغالیان انجام گرفت که تحرکات نظامی گسترده را در عرصه خشکی - دریا برای تصرف لار، قشم، بحرین، گمبرون و هرموز و اخراج پرتغالیان به دنبال داشت و از حضور شرکت‌های هند شرقی اروپایی (انگلیس و هلند) به نحو مطلوب استفاده به عمل آمد. این سیاست در دو مرحله انجام شد: ۱. زمینه‌سازی سیاسی یا دیپلماسی فعال؛ ۲. سیاست عملی یا عملیات نظامی خشکی - آبی و پایان دادن به حاکمیت پرتغالیان بر خلیج فارس. با وجود چنین سیاست مقتدرانه، در دوره جانشینان شاه عباس اول، سیاست صفویان در خلیج فارس «دوره آشفتگی و تزلزل» را سپری کرد، بدین‌معنا که گرچه حاکمیت ایران بر جزایر و بنادر کرانه شمالی خلیج فارس تداوم می‌یابد؛ اما دستخوش آشفتگی‌ها و نابسامانی‌هایی است که از یک‌سو، رقابت شرکت‌های هند شرقی اروپایی آن را تشدید می‌کند و از سوی دیگر، تحرکات و شورش‌های اعراب در دریا و حملات شیخونی بلوچ‌ها و افغان‌ها به سواحل بر آن می‌افزاید. در این دوره، دولت شاه سلطان حسین که از تزلزل و ضعف درونی و دسته‌بندی و درگیری کارگزاران بی‌کفایت رنج می‌برد، نه از عهده حل بحران‌هایی که به شکل شورش‌ها و تهاجمات گسترده در گوشه و کنار کشور بروز یافت برآمد و نه توان غلبه بر مشکلاتی را داشت که در خلیج فارس و نواحی ساحلی آن رخ داد. از این‌رو، اوضاع خلیج فارس در این دوران، آشفته و ناپایدار است. هدف این مقاله بررسی و

تحلیل آشفته‌گی اوضاع خلیج فارس در سلطنت شاه سلطان حسین صفوی است. پرسش قابل طرح در این پژوهش آن است که چه عواملی بر ناپایداری اوضاع خلیج فارس در اواخر سلسله صفویه مؤثر بوده است؟ فرضیه پژوهش بر سه متغیر: تحرکات دریایی اعراب، حضور قدرت‌های اروپایی و مدیریت ضعیف شاه سلطان حسین در اعمال حاکمیت بر خلیج فارس تأکید دارد. در این پژوهش که از نوع مطالعات تاریخی است، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تبیین آن به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

در باره خلیج فارس از زوایای گوناگون صدها کتاب، مقاله، پایان‌نامه و پژوهش‌نامه نگارش یافته و همایش‌های گوناگونی هر ساله در کشور برگزار شده که مجموعه مقالات آنها منتشر شده است. برشمردن این نوشته‌ها خود مجلدی دیگر را بر آن مجموعه می‌افزاید. غالب نوشته‌ها در اهمیت تاریخی، جغرافیایی و بازرگانی و تجاری خلیج فارس، قدمت شکل‌گیری خلیج فارس، سیاست قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس، جزایر و بنادر خلیج فارس، تحولات تاریخی خلیج فارس، نام‌گذاری خلیج فارس در اطلس‌های جغرافیایی و نقشه‌های تاریخی، دریانوردی در خلیج فارس، اختلافات مرزی در خلیج فارس، نفت و تأثیر آن بر اوضاع خلیج فارس، تحولات نواحی پس‌کرانه‌ای آن و موضوع‌های متنوع دیگر است. باینکه در باره خلیج فارس در عصر صفویه نیز پژوهش‌های متعددی صورت گرفته، اما به حوادث پایان این سلسله کمتر توجه شده است؛ هر چند به دو مقاله مرتبط می‌توان اشاره کرد. چمنکار (۱۳۹۳) «زمینه‌های ناتوانی ایران صفوی در برخورد با امامان یعاربه عمان در خلیج فارس (سده ۱۲ قمری)» را بررسی کرده است. پورمحمدی املشی و سنبلی (۱۳۹۶) به «اعراب عمان در خلیج فارس در دوره شاه سلطان حسین صفوی» پرداخته‌اند و فرآیند عملکرد اعراب عمان را در تحولات سیاسی و تجاری خلیج فارس از فتح هرموز تا سلطنت آخرین پادشاه صفویه بررسی کرده‌اند. بنابراین، کمبود پژوهش منسجم و مستقل در باره اوضاع خلیج فارس در سلطنت شاه سلطان حسین صفوی ضرورتی بود که در این مقاله ایجاب کرد تا متمایز از دیگر پژوهش‌ها به‌طور ویژه بررسی شود.

بررسی و تحلیل موضوع

در دوره زمامداری شاه سلطان حسین بر ایران، حوادثی مهم در خلیج فارس و نواحی کرانه‌ای آن و نیز در عرصه خشکی قلمرو صفویه رخ داد که بر ناپایداری اوضاع خلیج فارس در این دوره و آشفتگی و ناامنی آن تأثیر گذاشت. این ناپایداری هم به شیوه زمامداری این پادشاه که شخصیتی ضعیف و ناکارآمد داشت و از رجال بی‌کفایتی نیز برخوردار بود، بستگی داشت که توان عملیات فعال خشکی - آبی را نداشت و هم به شورش‌های مختلفی که در گستره آبی و خشکی رخ داد، مرتبط بود و همچنین عدم همراهی قدرت‌های اروپایی مستقر در خلیج فارس با شاه صفوی برای مهار بحران‌ها، به تشدید این وضعیت انجامید. در ادامه، این عوامل بررسی می‌شوند.

پدیده راهزنی دریایی در خلیج فارس

مسئله‌ای که اواخر صفویه اوضاع خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده بود، پدیده دزدی یا راهزنی دریایی بود. دزدی دریایی در این ناحیه موضوع جدیدی نبود و گزارش‌هایی از دوره باستان و دوره‌های میانه اسلامی از این پدیده (در نوشته‌های پلینی، بطلمیوس و مارکوپولو) وجود دارد. اما در اواخر سده ۱۱ قمری/ ۱۷ میلادی حمله به بازرگانان شرکت هند شرقی انگلیس افزایش یافت. اعراب عمان در خشکی و دریا شروع به دزدی و راهزنی کردند و دائم به چپاول و غارت می‌پرداختند. به تدریج این اعراب مجهز به کشتی شدند و عملیات خود را در آب‌ها گسترش دادند و با کشتی‌های پرتغالی‌ها و شرکت‌های هند شرقی انگلیسی و هلندی و فرانسوی به زدوخورد پرداختند. با ورود دزدان مجهز به کشتی از انگلستان و آمریکا، عملیات راهزنی دریایی گسترده‌تر شد و این راهزنان، تجارتخانه پرتغالی‌ها در بندر کنگ را غارت کردند و کشتی‌ها را در آب‌ها اسیر می‌کردند. دزدان دریایی سالیان متمادی در مدخل دریای سرخ به چپاول و غارت و کشتار مشغول بودند و برای خود لنگرگاه ایجاد کرده بودند و غنائم بسیار به چنگ آوردند. با افزایش قدرت اعراب مسقط که به غارت بنادر و اسیر کردن کشتی‌ها می‌پرداختند، بیم آن می‌رفت که بر تمام نواحی خلیج فارس مسلط شوند و چون دائم در صدد آسیب رساندن به تجارت ایران بودند، کشتیرانی در خلیج فارس بسیار مختل شده بود (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۲۵-۲۲۳).

این پدیده در دریاهای هندوستان نیز مخاطرات زیادی را پدید آورده بود و به تجارت شرکت هند شرقی انگلیس در آن نواحی آسیب وارد کرده بود. پرتغالی‌ها در اثر حملات

راهزنان دریایی، غالب متصرفات خود را در شرق از دست دادند. شدت فعالیت گسترده راهزنان و جدی شدن خطر برای بازرگانان، شرکت‌های اروپایی را ناگزیر ساخت که برای حفظ بنیان تجارت خود که در معرض خطر افتاده بود، قراردادی منعقد کنند که در بحر احمر (دریای سرخ)، خلیج فارس و آب‌های هندوستان به دفع دزدان دریایی بپردازند. سه رقیب یعنی انگلیس، فرانسه و هلند ناچار به هماهنگ کردن اقداماتشان علیه دزدان دریایی شدند و مسئولیت اصلی برقراری امنیت در خلیج فارس به فرانسه محول گردید. قرار شد هلندی‌ها در بحر احمر و انگلیسی‌ها در آب‌های هندوستان به دفع دزدان بپردازند که البته به فرجامی نرسید. از این تلاش‌های جمعی معلوم می‌شود که در اواخر سده ۱۱ قمری/ ۱۷ میلادی خطر دزدان دریایی شدت کامل یافته و حتی حیات تجار اروپایی و ساکنان بومی نواحی هندوستان را تهدید می‌کرده است (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۲۷-۲۲۶؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۱).

از ابتدای سده ۱۲ قمری/ ۱۸ میلادی دزدی دریایی در خلیج فارس، فعالیت‌های تجاری شرکت‌های خارجی را بیش‌ازپیش مخاطره‌آمیز کرده بود. بخشی از این تحرکات دریایی به تلاش بومیان برای احیای قدرت دریایی خود در خلیج فارس برمی‌گردد که با ورود پرتغالیان درهم‌شکسته شده و به حاشیه رانده شد. در این اوضاع، آنها چاره را در این دیدند که با تهاجم به ناوگان‌های اروپایی به برتری دریایی دست یابند تا آزادانه و بدون دخالت و نظارت قدرت‌های بیگانه که بر این آبراه مسلط شده‌اند، به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بپردازند. البته این تمایل با اهداف توسعه‌طلبانه امامان عمان و ورود برخی راهزنان دریایی به خلیج فارس وضعیتی را پدید آورد که اروپائیان با اطلاق راهزنی دریایی، زمینه تداوم حضور خود را در خلیج فارس و آب‌های مشرق فراهم کردند.

حملات اعراب عمان به پرتغالی‌ها در خلیج فارس

در زمانمرداری شاه سلطان حسین، اعراب عمان تحرکات دریایی خود را شدت بخشیدند. عمان سرزمینی واقع در جنوب خلیج فارس است که از غرب به عربستان، از شرق به دریای عرب، از جنوب به یمن و از شمال به دریای عمان منتهی می‌شود. حکام آن بلاد همواره از آل‌حمیر بوده‌اند و در خلافت عباسی برخی اعراب که مذهب خوارج اباضیه داشتند، در عمان ساکن شدند و به‌مرور مردم آنجا به مذهب اباضیه گراییدند. سواحل عمان و شهرهایی همچون قلّهات و مسقط که از بنادر عمده و اصلی این ناحیه به‌شمار می‌آمدند، در دوره حضور پرتغالی‌ها تحت اداره و نظارت مستقیم آنان قرار گرفت و در آن استحکاماتی را ایجاد

کردند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۴-۳۳)؛ اما با اخراج پرتغالی‌ها از جزیره هرموز در سال ۱۰۳۱ ق. و در زمان شاه عباس اول که تفصیل آن در منابع تاریخی آمده است^۱، تداوم حضور آنها با مشکلات عمده‌ای مواجه شد. این امر به دلیل ضعف کلی قدرت پرتغال و تسلط اسپانیولی‌ها بر امور مرتبط با نواحی مستعمراتی آنان و ایجاد شکاف و تفرقه در میان آنها بود. از سویی، شرایط سیاسی و عمومی سواحل عمان در نیمه دوم سده یازدهم هجری/ هفدهم میلادی به ضرر پرتغالی‌ها، به سرعت در حال تغییر بود. تحولات مهم که در این دوره به وقوع پیوست، به شکل‌گیری سلسله‌ای به نام یعاربه عمان انجامید. امرای سلسله فوق از سال ۱۰۳۳ تا ۱۱۵۷ ق. / ۱۶۲۰ تا ۱۷۴۴ م. در این نواحی حکومت کردند. در دوران حکومت یعاربه، مسقط به بندری آباد تبدیل شد و نقش چشمگیری در تبادلات تجاری حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس ایفاء کرد. توسعه این بندر در دوران حکومت ناصر بن مرشد (۱۰۵۱-۱۰۳۳ ق. / ۱۶۴۱-۱۶۲۴ م.) و سلطان بن سیف اول (۱۰۹۱-۱۰۵۱ ق. / ۱۶۸۰-۱۶۴۰ م.) کامل شد؛ اما تغییر جغرافیای سیاسی منطقه در این دوره به‌هیچ‌روی به نفع تجارت رو به رشد ایران در بندرعباس نبود، زیرا در وضعیت افول و رکود بندرعباس، بندر مسقط در اثر سیاست‌های امامان عمان، ترقی و رشد بسیار یافت و به رقیبی قدرتمند برای بندرعباس تبدیل شد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۴).^۲

فشارهای مذهبی پرتغالیان بر مردم عمان برای تغییر مذهب به مسیحیت، در انگیزه اعراب به‌منظور اخراج پرتغالیان و تصرف مناطق متصرفی^۳ آنها مؤثر بود. عمانی‌ها با کشتار پرتغالی‌ها و تصرف قلاع آنان، مانند پرتغالیان صاحب جهاز شدند و چنان در کشتیرانی و جنگ دریا ماهر شدند که هنگام تسلط اعراب، کشتی‌های پرتغالی جرأت نداشتند به آنها نزدیک شوند و هر سال چندین کشتی جنگی از پرتغالی‌ها به غنیمت می‌گرفتند. در چنین اوضاعی، احوال کشور ایران مشوش و از هر گوشه مدعیانی به نواحی ایران تاخت و تاراج می‌کردند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۵۶-۳۶). ناصر بن مرشد که به دلیل وابستگی به مذهب خواجه از پرتغالیان و ایرانیان شیعی سخت تنفر داشت، ابتدا با غلبه بر طوایف عرب عمان در صدد توسعه قدرت خود به سمت سواحل برآمد تا بتواند پرتغالی‌ها را از این نواحی براند. او در سال ۱۰۴۳ ق. / ۱۶۳۴ م. با حمله به قلاع نظامی جلفار و صحران توانست جلفار را تصرف

۱. در این زمینه بنگرید به: منشی، ۱۳۷۷: ۱۶۲۶/۳-۱۶۲۱.

۲. در باره فعالیت امامان یعاربه در عمان از ناصر بن مرشد تا پایان سلسله صفویه، رک: عاشور، ۱۴۲۶: ۱۵۱-۱۲۳، ازکوی، ۱۴۲۶: ۱۱۳-۹۴.

۳. پرتغالیان نواحی زیادی از سواحل دریا را متصرف شده بودند. برای آگاهی از فهرست آنها رک. مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۵.

کند و دفاع حاکم ایرانی بندر جلفار که با پرتغالی‌ها هم‌دست شد، به شکست انجامید و آخرین پایگاه صفویان در سواحل عمان از دست رفت و شاه صفی و جانشینان او نیز اقدامی برای بازپس‌گیری آن نکردند. پس از آن نیروهای محلی، پرتغالی‌ها را از بنادر صور و صحر اخراج و تسلط خود را بر بنادر عمان کامل کردند. سلطان بن سیف، امام بعدی خوارج عمان توجه اصلی خود را بر تصرف کامل مسقط متمرکز کرد و در عملیاتی علیه پرتغالی‌ها و محاصره مسقط توانست پرتغالی‌ها را به تسلیم وادار سازد. فتح مسقط در سال ۱۰۶۰ ق. / ۱۶۵۰ م. کامل شد و پرتغالی‌ها آخرین سنگر خود در عمان را از دست دادند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۵-۲۶۴؛ اقبال، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۳؛ چمنکار، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۵).

از اقدامات مهم سلطان بن سیف تشکیل ناوگان دریایی بود که از طریق مصادره کشتی‌های پرتغالی، پس از فتح مسقط و حمله به ناوگان‌های خارجی و تصرف آن و خرید و مصادره کشتی از تجار هندی صورت پذیرفت. ناوگان دریایی مسقط به سرعت توسعه یافت و در سال ۱۰۷۵ ق. / ۱۶۶۵ م. امام عمان چهار فروند کشتی جنگی و دوازده فروند کشتی حمل‌ونقل بزرگ در اختیار داشت و با همین توان نظامی توانست پرتغالی‌ها را در نبرد دریایی شکست دهد. سه سال بعد، تعداد این کشتی‌ها به نوزده فروند افزایش یافت و ناوگان مسقط با حدود چهار هزار نفر خدمه در مسیر هند به تجارت پرداخت. نیروی دریایی عمان در زمان سیف بن سلطان (۱۱۲۳-۱۱۰۴ ق. / ۱۷۱۱-۱۶۹۳ م.) در نبردی دریایی، موفق به شکست پرتغالی‌ها در شرق آفریقا شد و مناطق شرقی آفریقا به تصرف او درآمد. توسعه قدرت سیاسی امامان عمان به سمت شرق آفریقا زمینه مناسبی را برای رشد و توسعه بندر مسقط پدید آورد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۶-۲۶۵؛ ازکوی، ۱۴۲۶: ۱۱۰). قدرت امامان عمان چندان افزایش یافت که موجب آزار و اذیت تجار و بازرگانان در بنادر و سواحل شد. آنها حتی به مذهب و دین مالکان و حاملان اموال توجه نداشتند و هر کجا که وارد می‌شدند، مردم را می‌کشتند و اموالشان را به غارت می‌بردند (پورمحمدی املشی و سنبلی، ۱۳۹۶: ۵۱).

حمله اعراب عمان به جزایر و بنادر ایران در کرانه خلیج فارس

امامان مسقط پس از حمله به پرتغالی‌ها و واردکردن ضرباتی بر آنها، با ضعف قدرت پرتغالیان، تجاوزات خود را به سواحل ایران آغاز کردند. اعراب عمان با بیرون راندن پرتغالی‌ها از سواحل عمان و بندر مسقط، به تدریج قدرت گرفتند و با تهیه چندین کشتی جنگی و با حمایت انگلیسی‌ها و هلندی‌ها که رقیب پرتغالی‌ها بودند، در خشکی و دریا به

دستبرد پرداختند و باعث دردسر تاجران و دریانوردان سواحل و بنادر شدند.^۱ این اقدامات به‌ویژه در دوره امامت سیف بن سلطان به اوج شدت رسید (اقبال، ۱۳۸۴: ۹۶). امام عمان با توسعه ناوگان دریایی توانست نمایندگان خود را به‌صورت مخفیانه به سواحل ایران اعزام و ارتباط نزدیکی را با رؤسای طوایف ساکن سواحل به‌ویژه مناطق بین بندرلنگه تا طاهری برقرار کند که در این رابطه افزون بر جلب همکاری، نظری هم به کسب موقعیت تجاری داشت (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۶).

آبه کاره فرانسوی که در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق. / ۱۶۹۴-۱۶۶۷ م.) در میان ساحل‌نشینان ایران بود، هنگامی که در نخیلو اقامت داشت، شاهد آمدن دو فرستاده از سوی امام مسقط بوده است که به نخیلو، عسلو و جاهای دیگر فرستاده شده بودند تا از اعراب بخواهند آنها را در برابر پرتغالی‌ها یاری دهند. سفرای مسقط عقیده داشتند که هلندی‌ها با آنان دوست هستند و به‌منظور جنگ با پرتغالی‌ها برای عمانی‌ها مهمات، راهنمایی‌ها و پیشنهادهای سودمند تهیه می‌کنند. به نقل سفرای عمانی‌ها در آن سال توانستند با کمک و مشاوره خوب هلندی‌ها و مردان آگاهی که در اختیارشان گذاشته بودند، یک ناوگان قدرتمند در مسقط تجهیز کنند و بر ضد پرتغالی‌ها به هند بفرستند. این ناوگان، قلعه پرتغالی‌ها را مورد حمله قرار داد و چندین اشراف‌زاده پرتغالی را در زنجیر همراه با زن و فرزندان‌شان به‌عنوان زندانی به مسقط آوردند. آن سفرای نظرشان این بود که هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها باید برای اخراج پرتغالیان از هند با یکدیگر متحد شوند (کاره، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۸). در این زمان، بین شیوخ عرب سواحل درگیری‌هایی وجود داشت و دربار صفویه به میانجیگری بین این اعراب پرداخت، زیرا جنگ‌های داخلی آنها مانع هر نوع بازرگانی در سواحل خلیج فارس شده بود. این اعراب درحالی که به یکدیگر هجوم می‌بردند، بسیاری از بنادر را از پرداخت عوارض معمول محروم می‌کردند. از این‌رو اعراب چارک، چیرو، کنگان و عسلو با اعراب نخیلو متحد شده بودند و با چهارصد کشتی در بندر ریگ نیرویی آماده کرده بودند. در آنجا آنها تمامی افراد قبیله، حتی بدون ترحم، زنان و کودکان را قتل‌عام کردند. این حادثه دیگر ساحل‌نشینان را که نیرویشان را در دریا جمع کرده بودند، بسیار ترساند (کاره، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۷).

۱. برای مطالعه نمونه‌ای از این درگیری‌ها، ر.ک. شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۱۷.

حمله به بندر کنگ و اتحاد نظامی ایران و پرتغال علیه اعراب

توسعه نیروی دریایی امام مسقط در این دوره، مصادف با ضعف حکومت ایران در جنوب و تغییر ساختار اداری سواحل و جابه‌جایی جمعیت در این نواحی بود و همین امر موجب شد تا امام مسقط اهداف بلندپروازانه خود را برای گسترش حوزه عملکرد ناوگان دریایی‌اش به خلیج فارس، مدنظر قرار دهد. ناوگان دریایی عمان در سال ۱۱۰۷ ق. / ۱۶۹۵ م. با پانزده کشتی به بندر کنگ حمله کرد و پس از گلوله‌باران بندر وارد شهر شده، به غارت و تاراج اموال مردم دست زد (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۵۲) و بیش از شصت‌هزاری تومان کالا را از کنگ به غارت برد. امام مسقط پیش از حمله، از طریق ارتباط با رؤسای قبایل بلوچ ساکن بندرعباس و لنگه و جلب حمایت آنان، زمینه مناسب را برای حمله به بندرکنگ و بندرعباس فراهم آورده بود. دولت صفویه باینکه از این همکاری آگاهی داشت، اما اقدام مؤثری برای خنثی‌سازی آن انجام نداد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

انگلیسی‌ها و هلندی‌ها که نیروی کافی در خلیج فارس داشتند، حاضر به همکاری با پادشاه صفوی برای سرکوبی راهزنان عرب نشدند. نایب‌السلطنه پرتغال در هند آمادگی دولت پرتغال را برای همکاری در سرکوب اعراب مسقط اعلام کرد و پیرو مذاکرات و مکاتباتی که بین نمایندگان ایران و نایب‌السلطنه پرتغال صورت گرفت، متن قرارداد تجاری در ۱۱۰۷ ق. / ۱۶۹۹ م. تهیه شد؛ با این مواد که: پرتغالی‌ها بیست کشتی جنگی برای جنگ با اعراب آماده کنند و شش کشتی پارویی برای دفاع از کنگ بسازند؛ پادشاه ایران نیروی زمینی به تعداد کافی فراهم کند و برای هر دو کشتی سالیانه معادل دو هزار تومان کمک‌هزینه بپردازد؛ کشتی‌هایی که اسیر شوند، به پرتغالی‌ها واگذار شود؛ محمولات کشتی‌ها بین ایرانیان و پرتغالیان تقسیم شود؛ بنادر عربی که در خلال جنگ تصرف شود، به ایران تعلق گیرد، مگر بندر مسقط که به پرتغالی‌ها واگذار شود؛ مقرر شد در کلیه این بنادر، دولت ایران اجازه تأسیس دارالتجاره و دفاتر بازرگانی به پرتغال بدهد و طرفین متعهد شدند که به‌تنهایی با اعراب صلح نکنند و با کشورهای دیگر متحد نشوند. همچنین شاه ایران به اروپائیانی که در اصفهان و بنادر ایران تأسیساتی دارند، غدغن کند که به مردم عمان مهمات جنگی نفروشند. در پی تهیه این پیش‌نویس، نایب‌السلطنه پرتغال، سفیری به‌نام گرگوریو پیرا فیدالگو^۱ را به ایران فرستاد تا متن قرارداد را به امضای شاه سلطان حسین برساند (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۱۱-۱۱۰).

^۱. Gregorio Pereira Fidalgo

بر پایه روایت نصیری، دربار صفویه که برای دفع اعراب در دریا نیاز به کشتی داشت، به کاپیتان پرتغالی ساکن در بندر کنگ متوسل شد و ضمن اشاره به اینکه اعراب برای جنگ با پرتغالی‌ها و ضربه زدن به آنها به کنگ حمله کرده‌اند، خواستار چندین کشتی با نیروهای کارآموده فرنگی شد تا با همراهی نیروهای ایرانی به مقابله اعراب عمان بشتابند؛ پرتغالی‌ها شش ناو جنگی با نظامیان ورزیده به بندر آوردند. دربار صفویه سرداری سپاه و حکومت کوه‌گیلویه را به علی‌مردان خان دیوان‌بیگی داد و او را در رأس هفت هزار نیرو اعزام کرد. شاه طی فرمانی خواست که از ولایت فارس، چریک و سیورسات لازم برای لشکر به بنادر عباسی و کنگ حمل شود. چون در اثر خشکسالی، فارس دچار کمبود محصول شده بود و خطر قحط و غلامی‌رفت، ناچار اعزام سپاه را متوقف کردند و آن را به سال دیگر و انبار کردن آذوقه و غله و تجهیزات موکول کردند. علی‌مردان خان نیز به بندر دیلم رفت و با شیوخ اعراب خلفات، آل‌زعاب، آل‌ابومهر گفتم و ضمن برخورداری ساختن آنها به انعامات و نوازشات شاهی، آنان را سرگرم پیکار و ستیز کرد و از آنها خواست که از فرستادن آذوقه برای اعراب عمان جلوگیری کنند. در این فاصله، اعراب عمان با چندین کشتی جنگی و پنج هزار قشون برای تصرف قلعه‌ای که در اختیار پرتغالی‌ها بود، وارد جنگ شدند؛ چون کاری از پیش نبردند، به دیار خویش بازگشتند (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۱۵۲).

ظاهراً اطرافیان شاه (بزرگان دربار) در جلسه‌ای او را تحت فشار قرار دادند که از جنگ با اعراب منصرف شود و دستور به بازگشت فرمانده قشون به اصفهان و مرخص کردن نیروی دریایی پرتغال بدهد؛ بهانه این درباریان گرفتاری‌های داخلی و کمبود آب و آذوقه برای نفرات لشکر بود. شاه از این پیشنهاد خشمگین می‌شود و با مرخص کردن ناوگان دریایی پرتغال مخالفت می‌ورزد و می‌گوید: احتیاجات قشون و فراهم آوردن آب و آذوقه را با احداث چند انبار در بندرکنگ که هزینه آن را تقبل نموده بود، می‌توان برطرف ساخت (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۵۴-۵۳). به نظر می‌رسد که شاه تسلیم فشارهای درباریان شده باشد. چون در مراسم دیدار رسمی با سفیر که در باره اجرای قرارداد همکاری پرسید، شاه می‌گوید: قرارداد ما امسال به علت کمبود بیش از حد آذوقه و آب در مسیر راهی که قشون باید بپیماید، نمی‌تواند اجراء شود (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۵۵). شاه سپس میرزا طاهر صدراعظم را برای مذاکره با سفیر پرتغال تعیین کرد. در مذاکره آنها صدراعظم نیز بر همان دلایل برای عدم جنگ تأکید کرد و استدلال‌های سفیر در ضرورت جنگ را نادیده گرفت و جنگ را به سال بعد موکول کرد؛ اما تاریخ معینی را مشخص نکرد. با این وجود، می‌خواست بداند که سال

آینده پرتغال چقدر نفرات و کشتی خواهد آورد. سفیر پاسخ داد: پرتغالی‌ها در هندوستان امکانات زیادی دارند و هر چه لازم باشد، می‌توانند بیاورند؛ اما به تصمیم نایب‌السلطنه پرتغال بستگی دارد. زیرا در این سفر دچار خسارت و اتلاف وقت زیادی شده‌ایم و امکان دارد سال آینده نیز چنین وضعی پیش آید. چون صدراعظم به سفیر گفت: با اینکه اعراب به بندر کنگ حمله کرده‌اند؛ اما هدف اصلی آنها بیرون راندن پرتغالی‌ها بوده است، سفیر اشاره می‌کند همین دلیل کافی است که دولت ایران اقدام به جنگ کند؛ زیرا مباشر و نماینده دولت پرتغال که در آن بندر ساکنند، تحت حمایت پادشاه ایران قرار دارند و در صورت حمله به آنها به استقلال و امنیت کشور ایران توهین شده است. کشورها از این بابت در تمام دنیا مصون هستند و اعراب با این طرز رفتار نشان داده‌اند که تنها برای اخراج پرتغالی‌ها نیامده‌اند، چرا که پرچم ملی خود را بر فراز توپخانه و قلعه افراشته‌اند و پس از ایجاد حریق، چند خانه و آبادی را غارت کرده‌اند. صدراعظم ضمن تأیید گفته سفیر اما گفت که وقتی آب و آذوقه به حد کفایت فراهم شد، اطلاع خواهد داد که نیروی دریایی پرتغال دوباره برگردد. سرانجام مذاکره بدون اخذ نتیجه‌ای پایان گرفت (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۵۹-۵۷).

به‌موجب اطلاعاتی که سفیر پرتغال از پدر آنتونیو^۱ در شیراز کسب کرده بود، نماینده هلند به امر صدراعظم به گمبرون رفته بود تا با اعراب مذاکره کند و از آنها بخواهد در صدد جبران اهانتی برآیند که در کنگ نسبت به ایرانی‌ها مرتکب شده‌اند و بدین‌صورت جنگ منتفی گردد. به‌موجب همین اطلاعات، نماینده هلند به باتاوایا نوشته بوده که به‌منظور اعراب اعراب و ایجاد وحشت در خلیج فارس، نیروی دریایی قوی و مجهزی به بندر ارسال کنند تا اعراب را مجبور به پرداخت خسارت و جریمه به دولت ایران بنماید و یا ایرانیان را برای جنگ با اعراب کمک کند. در گزارش سفیر پرتغال با ادله‌ای این مأموریت را درست نمی‌داند و سفیر یقین می‌کند که صدراعظم چنین مأموریتی به او نداده است. زیرا ملاقات نماینده هلند با صدراعظم که از بندرعباس به اصفهان آمد، خیلی مختصر انجام شد و برای این دیدار کوتاه نیز خیلی انتظار کشید که اگر به آن مأموریت رفته بود، این‌قدر معطل نمی‌شد. دیگر اینکه حضور نیروی دریایی هلند در خلیج فارس ثابت نگردید، زیرا موسم بادهای موسمی گذشت و آنها به خلیج فارس نیامدند. از سویی هلندی‌ها آن روز توانایی تشکیل یک ناو بزرگ با دویست تن اروپایی را نداشتند، زیرا از لحاظ نفرات بسیار در مضیقه بودند و افرادی که در کشتی‌هایشان استخدام می‌کردند، هندی بودند و در هر کشتی حتی بیست نفر

^۱. P. Antenio

هلندی وجود نداشت و هلندی‌ها به سبب جنگ‌های اروپا افراد کمکی اروپایی کم داشتند (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۶۰-۵۹).

در مذاکره بعدی سفیر با صدراعظم، باز همان دلایل برای عدم جنگ مطرح شد (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۶۱). تلاش‌های سفیر برای ملاقات مجدد با شاه با کارشکنی‌های درباریان مواجه شد و ناچار به خواجه‌های حرم که در واقع آنها بودند که فرمانروایی می‌کردند، متوسل شد. او با آغا کمال رئیس خواجه‌ها و محافظ حرم‌سرای شاهی که نزد شاه اعتبار زیادی داشت، ملاقات و تقاضای خود را در میان گذاشت که اجابت آن را مشروط به پرداخت دویست تومان به پول گو^۱ کرد؛ چون سفیر این مبلغ در توانش نبود، در کار خود توفیق نیافت (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۶۲). به دستور شاه، سفیر برای مذاکره دیگری با صدراعظم دیدار کرد و در این دیدار، صدراعظم به سفیر اطمینان داد که چون فعلاً جنگ صورت نمی‌گیرد، می‌تواند به هندوستان برگردد و در موقع لزوم و مناسب، تاریخ اعزام نیروی دریایی را به او اطلاع خواهد داد. همچنین به سفیر اطلاع داد که به‌زودی پادشاه اجازه شرفیابی به‌منظور کسب مرخصی و دادن پاسخ نامه‌هایی که سفیر تقدیم کرده بود، خواهد داد. باینکه در این دیدار، سفیر باز تلاش کرد که صدراعظم را متقاعد کند که از تصمیم به جنگ با اعراب منصرف نشوند، نتیجه‌ای نداد و برای آخرین بار به او جواب قطعی داده شد که این فکر را از سر به در کند. در این جلسه، سفیر تقاضای پرداخت هزارتومانی را می‌کند که شاه برای مخارج نیروی دریایی تقبل کرده بود. صدراعظم می‌گوید: شاه دستور پرداخت پانصد تومان را داده است و همه مبلغ پرداخت نخواهد شد، زیرا این مبلغ برای ارسال بیست کشتی کمکی قول داده شده بود و در حال حاضر خزانه شاه خالی است. سفیر همچنین مبلغ هزار تومان از بابت گمرکات بندر کنگ که مدیون بوده‌اند، درخواست کرد که صدراعظم اطلاع داد دستور پرداخت آن صادر شده است (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۶۳-۶۲).

در جلسه مرخصی، باز سفیر از اهمیت جنگ با اعراب و تنبیه آنها با شاه سخن گفت و شاه را در جریان سرعت عمل پرتغالی‌ها در اعزام نیروی دریایی و مخارجی که متحمل شده بودند، قرار داد. شاه در ظاهر به او اطمینان داد که تنبیه اعراب طبق توافقی که صورت گرفته، در وقت مقتضی انجام خواهد شد (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۷۰). سفیر در ملاقات با دیوان‌بیگی برادر خان لار که به‌جای فرمانده‌ای که برای مقابله با اعراب اعزام شده بود، تعیین گردیده بود، از او می‌شنود که مدت‌ها پیش می‌دانسته که امسال جنگی علیه اعراب

۱. نام شهری بندری و ایالتی در حاشیه جنوب غربی هندوستان.

رخ نخواهد داد؛ چرا که دلیل عدم حمله دربار فقط کمبود آذوقه و آب نبوده است؛ بلکه اعراب با بلوچ‌ها متحد شده‌اند تا در صورتی که ایران به اعراب اعلان جنگ دهد، آنها در همان موقع به گمبرون و سپس به لار حمله نموده و شیراز را تصرف کنند. از این‌رو، این خبر را سفیر قابل قبول می‌داند، چون از دید او بلوچ‌ها افراد جسور و لایقی بوده و همیشه موجب وحشت ایرانی‌ها بوده‌اند (فیدالگو: ۷۱). به‌طور کلی باید گفت که سفیر نتوانست در این مأموریت، دربار ایران را به جنگ علیه اعراب عمان متقاعد سازد.

سفیر در بازگشت وقتی به لار می‌رسد، متوجه می‌شود که یک کشتی جنگی پرتغالی به کنگ رسیده و انتظار دو ناو دیگر را هم دارند. سفیر با اعزام پیکی به اصفهان نامه‌ای برای شاه می‌نویسد و رسیدن ناوهای جنگی پرتغالی‌ها را به بندر کنگ طبق توافقنامه اطلاع می‌دهد. همچنین شاه را از دستوراتی که پادشاه پرتغال و نایب‌السلطنه هندوستان طی نامه به سفیر داده بودند، باخبر می‌سازد. از جمله به شاه یادآور می‌شود که در سال ۱۱۰۵ ق. / ۱۶۹۴ م. اعراب به بندر کنگ حمله کردند و به غارت اهالی پرداختند و توپخانه قلعه را به یغما بردند. در آن زمان، پرتغالی‌ها یک ناو جنگی مجهز برای شاه فرستادند تا به‌وسیله آن از اعراب انتقام بگیرد که این هدیه از طرف شاه قبول شد. سفیر با اشاره به مفاد قرارداد نظامی ایران و پرتغال که ضمیمه نامه شاه به نایب‌السلطنه پرتغال در هندوستان بود و در آن آمده بود که ایران از مواد موافقتنامه منصرف نخواهد شد، می‌گوید: طبق همین مفاد قرارداد بود که نایب‌السلطنه اقدام به اعزام ناو جنگی کرد و او را به‌عنوان سفیر نزد شاه فرستاده است. حتی متوجه شده که فرمانده قشون ایران نیز با ورود ناو جنگی، به‌سرعت مقدمات حمله را فراهم آورده است؛ اما اکنون شاه دستور به توقف جنگ و بازگشت نیروی دریایی پرتغال را داده و کمبود آذوقه و آب را مطرح کرده است. درحالی‌که ناو وارد شده به کنگ، کلی مخارج داشته و این اقدام را برای یاری شاه ایران کرده است. اگر جنگ واقع نشود، در میان کشورهای اروپایی شایع می‌شود که شاه ایران به تعهدات خویش عمل نکرده و این موضوع را در تمام بنادری که کشتیرانی می‌کنند، شایع می‌سازند که به شخصیت و قشون ایران صدمه بسیار خواهد زد و قابل قبول نیست که شاه ایران از تنبیه و مجازات اعراب شانه خالی کند. او از شاه می‌خواهد که به‌صراحت اعلام کند که آیا در آن سال آماده جنگ هست یا خیر (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۷۶-۷۴).

مورخ عصر شاه سلطان حسین به این نامه اشاره کرده که سفیر پرتغال در بازگشت طی نامه‌ای به میرزا طاهر اعتمادالدوله، اعتراض فرمانده پرتغالی مستقر در بندر کنگ را به او

منعکس کرد. در نامه آمده بود که دو سال است به درخواست شاه ایران هزینه زیادی برای اعزام کشتی جنگی به این حدود بر دولت پرتغال تحمیل شده و یک سال به بهانه کمبود غله و سیورسات به تعویق افتاد، اکنون نیز که غله و آذوقه فراوان بود، باز جنگ با اعراب به تعویق افتاد. از این رفتارها مشاهده می‌شود که دولت ایران قصد ادامه رابطه دوستی و اتحاد نظامی با پرتغال را ندارد و در صدد ضعف و خفت پرتغال است (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۵۵).

شاه در پاسخ به سفیر اطلاع می‌دهد که طبق توافق، فرمانده قشون تعیین و سربازان نیز بسیج و بخشی از آنها هنوز در کنگ مستقر هستند؛ اما چون با کم‌آبی و قحطی آذوقه مواجه شدیم، به نحوی که امکان اجتماع نیرو در بندر میسر نشد، دستور داده شد که ناو جنگی به عقب برگردد تا شرایط مناسب شود و به آنها اطلاع دهد که برگردند. در این شرایط به دلیل دوری راه و گرمای زیاد، نیرو نمی‌تواند در کنگ گرد آید و ناو هم نمی‌تواند تا زمانی که مشخص نیست، انتظار بکشد. شاه از سفیر می‌خواهد که آمدن بدون نتیجه ناوگان طی این دو سال نباید موجب کاهش دوستی عمیق دو کشور شود. او به معاهده پایبند است و هر گاه تصمیم به جنگ بگیرد، به پرتغالی‌ها خبر خواهد داد که امکانات خود را بسیج کنند (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۷۸-۷۷). در یکی از اسناد پرتغالی، در باره دلایلی که شاه نتوانست اتحاد را عملی کند، چنین آمده است: «به دلیل فقدان غلات، آب و آذوقه، سبزیجات و گندم و از طرفی عدم اجرای تعهدات در ارسال ۲۰ کشتی که نیامده بودند و اینکه احتمال دارد ارتش من متزلزل گردد نمی‌توانم امسال بجنگم» (آقا محمد زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۵۷).

حملات بعدی اعراب به کنگ

در سال ۱۱۲۰ ق. / ۱۷۰۸ م. سیف بن سلطان که به تحریک اعراب هوله ساکن بلاد فارس طمع به تسخیر جزایر و بنادر خلیج فارس بسته بود، به بندر کنگ حمله کرد و شهر را که فاقد نیروی مدافع و مملو از اموال و کالاهای تجار بود، غارت کرد و با کشتی به بلاد خود منتقل کرد. عباسقلی خان حاکم لار و بندر که در آن زمان در لار بود، با شتاب خود را به بندر کنگ رسانید، اما عمانی‌ها رفته بودند و او نیز امکانات دریایی برای تعقیب و درگیری با آنها نداشت. پادشاه صفوی برای تنبیه امام عمان، فرماندهی به نام جمشید خان را با لشکر اعزام کرد که در حوالی کنگ از دنیا رفت. چند سال بعد دوباره اعراب عمان به بندر کنگ آمدند و آن را تاراج کردند و بازگشتند. شاه یکی از بزرگان به نام محمد مؤمن بیک جهرمی را خان لار و بندر کرد و او با سپاه عازم مقابله با عمانی‌ها شد، اما به سبب نداشتن کشتی و

امکانات جنگ دریایی به وقت گذرانی پرداخت و ناگزیر به دربار بازگشت (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۶-۳۷). امام مسقط سپس قصد حمله به بندر عباسی کرد و چون از تصمیم مردم به دفاع از شهر آگاه شد، منصرف گشت. تلاش‌های حاکم بندر عباسی برای دریافت کمک دریایی از انگلیس‌ها جهت دفع حمله خوارج عمان با کنار کشیدن انگلیسی‌ها به نتیجه‌ای نرسید و در اثر وحشت مردم از حملات خوارج، تجارت خلیج فارس مختل شد (اقبال: ۱۳۸۴: ۹۶-۹۷). امام مسقط برای تصرف این بنادر، تلاش کرد با ناراضیان قندهاری و افغان‌ها نیز ارتباط برقرار کند و با آنها به اتحاد سیاسی برای سرنگونی صفویه برسد. او در صدد بود موقعیت این بنادر را هر چه بیشتر تضعیف کند و مسیرهای تجاری آنها را مسدود سازد. این امر از طریق اتحاد با گروه‌های قومی ساکن سواحل ایران، افغان‌های ناراضی و ترغیب بلوچ‌ها در همراهی با افغان‌ها از طریق حمله به بندرعباس، لار، شیراز و تصرف این شهرها میسر بود (وٹوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۸).

تسخیر بحرین

سلطان بن سیف دوم (۱۱۳۱-۱۱۲۳ق. / ۱۷۱۹-۱۷۱۱م.) امام عمان از ضعف دولت ایران استفاده کرد و تهاجمات خود را برای تسخیر جزایر و نواحی ایران تشدید کرد. یکی از این جزایر موردتوجه او بحرین بود و عمانی‌ها چند بار به بحرین حمله کردند.^۱ در سال ۱۱۲۷ق. / ۱۷۱۵م. یک بار به این جزیره حمله کردند که با مقاومت حاکم بحرین، مهرباب سلطان موفق نشدند. بار دوم در سال ۱۱۲۸ق. / ۱۷۱۶م. با جمعیت بسیار و هفت کشتی جنگی به بحرین رو آوردند، باز با پایداری مهرباب سلطان و کمک گرفتن از حاکم دشتستان، اعراب شکست خورده و بازگشتند. بار سوم در سال ۱۱۲۹ق. / ۱۷۱۷م. با چهارده کشتی و لشکر بسیار به بحرین حمله کردند که در اثر سوء تدبیر امرای دربار که مهرباب سلطان را عزل و حاکم جدید نیز هنوز به بحرین نرسیده بود و کمک اعراب بنی‌عته قطر در جوار بحرین به عمانی‌ها، اعراب عمان توانستند بحرین را تصرف کنند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۸-۳۷). در قتل و غارت شهر بحرین که معدن مروارید بود، از تجاوز خوارج مسقط، گویا قریب دو هزار فاضل عالم کامل که هر کدام مجتهدی بودند از ساکنان بحرین کشته شدند. محمدشفیع طهرانی مورخ در باره شمار سایر مردم که در این حادثه کشته شدند، می‌نویسد: زبان قلم

^۱. اعراب مسقط پیش از این نیز به بحرین که مرواریدهای آن در سراسر آفاق شهرت تمام داشت، حمله کرده بودند (ر.ک. شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۱۷).

کوتاه است و تعدادشان از حصر و قیاس افزون. خوارج همچنین ساکنان بلده حویزه در نزدیکی بحرین را به کلی قتل عام کردند. سلطان حسین از شنیدن چنین ظلمی واکنشی برای انتقام نشان نداد و اغماض کرد (طهرانی، ۱۳۸۳: ۱۰۸ و ۱۰۰).

محاصره هرموز

اعراب عمان پس از تصرف بحرین، سپس برای بار سوم بندر کنگ را تاراج کردند. آنگاه جزایر قشم و لارک را متصرف شدند و هرموز را در محاصره گرفتند. این محاصره شش-هفت ماه طول کشید و در اثر پایداری مدافعان قلعه هرموز و کمک‌های تدارکاتی حاکم بندر عباسی شامل آب و آذوقه به اهل قلعه، اعراب کاری از پیش نبردند و بازگشتند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۸؛ عاشور، ۱۴۲۶: ۱۵۰؛ ازکوی، ۱۴۲۶: ۱۱۱). لکه‌هاری می‌گوید که این حمله تا اندازه‌ای به کمک اعراب جواسم^۱ و قطر انجام شد. این نگرانی در میان بود که مبادا اعراب مسقط برای همیشه در بندرعباس مستقر شوند و دولت ایران را از عواید سرشار گمرکی آنجا محروم کنند و ضربه شدیدی بر پیکر تجارت ایران وارد آورند (لکه‌هاری، ۱۳۶۸: ۱۳۳-۱۳۲).

انگیزه عملیات اعراب به هرموز نه تنها کنترل تجارت، بلکه مخازن قدیمی مرواریدی بود که پرتغالی‌ها پیش‌تر در این جزیره بنا کرده بودند. پرتغالی‌ها هنگام عقب‌نشینی، مخازن صدف را از بین برده بودند. اعراب به امید آنکه بتوانند بار دیگر صید مروارید را آغاز کنند، هرموز را محاصره کردند، اما دژ مانع کار آنان شد و مجبور به عقب‌نشینی شدند و دست از این کار برداشتند (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۱۱۵). اعراب کشتی انگلیسی الیزابت را که در ساحل بندرعباس لنگر گرفته بود، تصاحب کردند. مقام‌های حکومتی بندرعباس با ترس و نگرانی اسباب و اثاثیه خود را جمع کرده و به زمین‌های پشت ساحل پناه بردند. مدیر شرکت انگلیسی، فردای آن روز یک کشتی به مسقط فرستاد و کشتی ربه‌ده شده خود را بازپس گرفت. اعراب مسقط با پوزش‌خواهی گفته بودند که پنداشته بودیم این کشتی متعلق به پرتغالیان است (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۲۱). دولت عثمانی نیز در این احوال از اوضاع ناگوار ایران استفاده کرد و خوارج عمان را به تجاوز به جزایر و سواحل ایران تحریک می‌کرد تا

۱. جواسم یا قواسم نام کلیه طوایفی است که در سواحل داخلی خلیج عمان معروف به ساحل دزدان سکونت داشتند و به دزدی دریا و راهزنی مشغول بوده‌اند. بهترین بلاد آنها یکی شارجه بود که رؤسای معروفشان در آنجا اقامت داشتند و دیگری رأس‌الخیمه بود که پیش‌تر به‌نام جلفار موسوم بود. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۴۲-۲۳۲.

بتواند نواحی ای را که در عهد شاه عباس اول از دست داده بودند، پس بگیرند (اقبال، ۱۳۸۴: ۹۸).

اواخر صفویه که حکومت شاه سلطان حسین با چالش‌های جدی مدیریتی در سواحل جنوب روبه‌رو بود، ظهور قدرت رقیب منطقه‌ای در عمان و توسعه قدرت آن به سمت سواحل شمالی خلیج فارس، زمینه مناسبی را برای یک دوره کشمکش و جنگ دریایی به‌وجود آورد که این کشمکش با توجه به ناتوانی دریایی صفویان به سود امام مسقط پایان پذیرفت و قدرت اقتصادی مسقط بر بندرعباس غلبه کرد و در نواحی پس‌کرانه‌ای بنادر عباسی و کنگ نامنی و شورش گسترش یافت (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۹-۲۶۷). حکومت صفوی در این ایام برای قدرت دریایی و سواحل اهمیت چندانی قائل نبود و نیروی دریایی ایران روزبه‌روز ضعیف‌تر شد. هر چند بنادر کنگ و خمیر به‌عنوان یکی از مراکز کشتی‌سازی محلی مطرح بود؛ اما قادر به رقابت با دریانوردان و کشتی‌سازان مسقط نبود. توسعه قدرت عمان به طرف سواحل شمالی خلیج فارس موجب رسوخ و نفوذ تدریجی رؤسای طوایف محلی به سواحل ایرانی شد و مهاجرت گسترده قبایل از آن جمله قواسم، بنی‌کعب، آل‌مذکور، آل‌نصور و آل‌عبیدلی را فراهم کرد. استقرار تدریجی این طوایف طی اواخر حکومت صفویه سرعت بیشتری یافت و موجب شد تا کرانه‌های خلیج فارس در شمال و جنوب را کمر بند انسانی قبایل دربرگیرد و در تجارت دریایی خلیج فارس مشارکت مؤثری پیدا کنند (وثوقی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). در اثر تاخت‌وتاز طوایف و قبایل مختلف به سواحل و بنادر جنوب ایران که به دلیل ضعف قدرت صفوی صورت می‌گرفت، قدرت‌طلبی این نیروها در کرانه‌های جنوبی و شمالی خلیج فارس گسترده شد.

واکنش دربار صفوی در برابر حملات اعراب

با وجود اینکه سواحل‌نشینان اخبار حوادث اعراب را به دربار می‌رساندند، اما درباریان صفوی به‌دلیل دسیسه و رقابت با یکدیگر و برخی نیز به‌سبب مشغول بودن به لهو و لعب و فسق و فجور به این اخبار اعتنایی نمی‌کردند، تا اینکه شیخ محمد بن ماجد، شیخ‌الاسلام و از علمای بزرگ بحرین به‌اتفاق گروهی از مردم بحرین به حضور شاه رسیدند و چگونگی تسلط اعراب عمان بر جزیره بحرین و تسخیر قلعه قشم و لارک و محاصره هرموز و اقدامات آنها در سد راه حجاج بیت‌الله‌الحرام و تجار و کاروان‌های سرزمین هندوستان و قتل و غارت و اسیر کردن و زندانی نمودن آنان را به آگاهی شاه رساندند. شاه، لطفعلی خان داغستانی را

سپهسالار و فرمانده لشکر کرد و روانه بلاد عمان نمود (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۹-۳۸). به روایتی، فتحعلی خان داغستانی وزیر اعظم به منظور مقابله با این اوضاع، برادرزاده خود لطفعلی خان حکمران کل فارس را مأموریت داد تا با گردآوردن لشکری عظیم به مقابله با اعراب بشتابد و برای انتقال نیروهای خود به آن سوی خلیج فارس با پرتغالی‌ها قراری بگذارد و از کشتی‌های آنها استفاده کند. پرتغالی‌ها در ازای این کمک دریایی مبلغ گزافی شامل سهم ادعایی خود از درآمد گمرکی بندر کنگ که حدود بیست سال از این بابت چیزی دریافت نکرده بودند، خواستار شدند (کروسینسکی، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۴؛ لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۱۳۳؛ ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۴-۲۰۳).

پرتغالی‌ها پس از اینکه شاه عباس آنها را در اتحاد با شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند شکست داد و جزایر قشم، بحرین، لارک، گمبرون و هرموز را از تصرف آنها بیرون آورد،^۱ با ایران دشمنی داشتند و مدتی به راهزنی و کارشکنی در امر تجارت بنادر ایرانی پرداختند و از آمدن تجار به این بنادر جلوگیری می‌کردند تا اینکه با دخالت انگلیسی‌ها قرار شد نماینده پرتغالی‌ها در بندر کنگ ساکن شده^۲ و هر ساله هزار تومان برای پادشاه پرتغال و صد تومان هم برای آن نماینده دریافت کنند و از راهزنی و اختلال در رفت‌وآمد تجاری دست بردارند. در سلطنت شاه سلطان حسین به دلیل آشفتگی اوضاع و عدم نظارت بر امور و ضعیف شدن پرتغالی‌ها، کارگزاران بندر در پرداخت وجه سالیانه به پرتغالی‌ها طفره می‌رفتند، چنانکه پرتغالی‌ها مدت بیست سال نتوانستند وجوه مقرر را دریافت کنند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۱-۴۰؛ قزوینی، ۱۳۶۷: ۸۰).

به روایت مرعشی، لطفعلی خان از فارس به بوشهر آمد و از آنجا حدود هفت-هشت هزار سپاهی بر کشتی‌های محلی (طرادات و زعیمه) سوار کرد و به جزیره بحرین فرستاد که اعراب عمان را بیرون کرده و آنجا را تصرف کنند. این افراد به دلیل اینکه عادت به سفر دریایی نداشتند، دچار سرگیجه و بیماری شدند. چون به حوالی بحرین رسیدند، بدون ملاحظه وضعیت همگی از کشتی‌ها بیرون آمدند و همه تجهیزات نظامی و آذوقه و تدارکات خود را درون کشتی‌ها بدون محافظ رها کردند. عمانی‌ها با آگاهی از این موضوع لشکر کشیدند و ابتدا همه کشتی‌ها و اموال نیروهای ایرانی را تصرف کردند و از خشکی و دریا به جنگ آن فوج بی‌یراق و اسباب آمدند. نیروهای لطفعلی خان که دچار بی‌آبی و تشنگی شده

^۱ در این باره رک. منشی، ۱۳۷۷: ۳/۱۶۲۶-۱۶۲۱.

^۲ در باره توافق ایران و پرتغال در سال ۱۶۲۵م. و حوادث پس از آن، رک. شاردن، ۱۳۷۴: ۶۱۹-۶۱۸.

بودند و تجهیزات نظامی نیز نداشتند، تسلیم شده و طلب امان کردند؛ اما اعراب عمان همه را اسیر و به قتل رساندند. این ناکامی موجب شد که لطفعلی خان و مشاوران گرجی و ارمنی او با برخی از امرای ترک دربار به این نتیجه برسند که برتری عمانی‌ها به لحاظ دارا بودن جهازات جنگی و لشکر آنها و سر رشته در جنگ دریایی است و قزلباشان به دلیل نداشتن کشتی جنگی و ناآشنایی به جنگ دریایی که سال‌ها در کشور به راحتی و تن‌آسایی مشغول بوده‌اند، قادر به هم‌آوردی با آنها نیستند. چون پرتغالی‌ها در این امور مهارت دارند و در فن کشتیرانی و توپ و تفنگ سر رشته دارند، اگر با ایران متحد شوند و جنگ دریایی را به عهده گیرند و قزلباشان نیز جنگ خشکی را، می‌توانند بر اعراب عمان غلبه کنند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۱-۳۹).

پرتغالی‌ها برای نزدیک ساختن شاه صفوی به خود حاضر شدند در دفع دزدان دریایی با او همکاری کنند. باین‌وجود، تلاش‌های لطفعلی خان والی فارس برای سرکوب رؤسای قبایل موفقیت چندانی نداشت؛ چنانکه همکاری نظامی ایران و پرتغال در برابر اعراب عمان نیز نتیجه‌ای در بر نداشت. اشکال‌تراشی دشمنان لطفعلی خان در دربار برای تهیه وجه لازم و دسیسه‌های اتین پادری^۱ کنسول فرانسه در شیراز که برای تشکیل اتحادیه‌ای میان فرانسه و ایران علیه اعراب مسقط تلاش می‌کرد، در ناکامی لطفعلی خان در انجام مصالحه با پرتغالی‌ها مؤثر بود. در نتیجه، مذاکره با پرتغالی‌ها پایان گرفت، درحالی‌که به کمک دریایی فرانسه نیز امیدی در میان نبود. اگر چه والی فارس توانست با پرداخت رشوه به امام مسقط، بحرین را از چنگ او مسترد سازد (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۵۲۸ و ۱۳۳؛ کروسینسکی، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۵؛ ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۴-۲۰۳). این مصالحه با کمک شیخ محمد بن ماجد شیخ‌الاسلام بحرین و میرزا نورالله فراهانی ضابط‌عشور و خروج بنادر از طرف ایران و دو تن از تجار شهر جلفار که اختیاردار امور سیف بن سلطان بودند، از طرف امام عمان صورت گرفت. قرار شد لطفعلی خان مبلغ پنج هزار تومان به وکلای سیف بدهد و آنها دست از جزیره بحرین و قشم و لارک بردارند. در نتیجه، عمانی‌ها بنا بر اعتماد و ضمانت شیخ‌الاسلام، این جزایر را خالی کردند و به تصرف نمایندگان لطفعلی خان دادند. به‌رغم این مصالحه، اما با آغاز تهاجمات افغان‌ها به نواحی جنوبی به‌ویژه بندر عباسی، این سیاست چندان چاره‌ساز نبود. حل این بحران‌ها به کاردانی، توانمندی و درایت لازم شاه و درباریان بستگی داشت که

^۱. Etienne Padery

در آن زمان شاه و کارگزارانش فاقد آن بودند. واکنش‌های ضعیف دولتمردان ایران در برابر چنین تحرکاتی، زمینه تهاجمات بیشتر اعراب را فراهم کرد (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۴).

تلاش‌های دیپلماتیک دربار صفوی برای دریافت کمک نظامی از اروپائیان

۱. درخواست کمک دریایی از هلند و انگلیس

ایران ناوگان دریایی نداشت و اقدامی هم برای تأسیس آن نمی‌کرد (فلور، ۱۳۶۵: ۱۸). از این‌رو، در بحران‌هایی که در خلیج فارس رخ می‌داد، نیازمند کمک از امکانات دریایی قدرت‌های اروپایی بود که تابع منافع این دولت‌ها در این حوادث بود. حکومت ایران برای توفیق یافتن در انجام عملیات نظامی و باز پس گرفتن بحرین از شرکت‌های هلند و انگلیس تقاضای کمک دریایی و توپچی کرد. این شرکت‌ها به درخواست حکومت ایران جواب رد دادند (فلور، ۱۳۶۵: ۳۶). در گزارش هلندی‌ها تفصیل این مذاکرات و عدم حمایت شرکت‌های اروپایی از ایران در برابر اعراب آمده است.^۱ اگر چه نفوذ هلندی‌ها در خلیج فارس و اقیانوس هند طی آخرین ربع سده هفدهم میلادی/ اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم هجری کاهش یافت، شرکت هند شرقی هلند همه امید خود را برای حفظ موقعیت تجاری ممتازش از دست نداد و در ۱۱۲۹ ق. / ۱۷۱۷ م. هیئتی را به ریاست جان کتلا^۲ از مقامات بلندپایه شرکت به ایران فرستاد که توانست بسیاری از امتیازات تجاری هلندی‌ها را تجدید کند؛ اما مشکل وی آنگاه ظاهر شد که فتحعلی خان داغستانی اعتمادالدوله شاه از او کمک دریایی هلندی‌ها را علیه اعراب مسقط درخواست کرد که جزایر بحرین را اشغال کرده بودند و بندرعباس را تهدید می‌کردند. درخواست‌های مشابه قبلی شاه از انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها رد شده بود. کتلا از پرداختن به این موضوع طفره رفت و کوشید به یک کشتی هلندی در بندرعباس سوار شود، اما فرمانده صفوی محل سعی کرد کشتی را در اقدام علیه اعراب به کار گیرد. وقتی کتلا اجازه این کار را نداد، ایرانیان تجارتخانه هلندی‌ها را محاصره کردند و کلیه راه‌های تدارکاتی آنها را قطع کردند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۲؛ فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۱۰۹).

انگلیسی‌ها و هلندی‌ها مایل نبودند علیه اعراب مسقط به ایران کمک کنند. شاه در فرمانی از هلندی‌ها خواسته بود که از حملات اعراب مسقط به بندرعباس و بندر کنگ

^۱. در این زمینه بنگرید به: فلور، ۱۳۷۱: ۱۴۱-۱۲۵

^۲. Jan Ketler= Ketelaar

جلوگیری کنند، اما مدیر شرکت، پاسخی سربالا برای حکومت ایران فرستاد (فلور، ۱۳۶۵: ۲۴-۲۳). باینکه شاه از تجارتخانه انگلیس در اصفهان دیدار کرد و دستور پرداخت بخشی از عواید گمرکی گمبرون را به شرکت انگلیسی صادر کرد و به آنها اطمینان داد که در صورت کمک نظامی، نیمی از غنائم به شرکت تعلق خواهد گرفت و همان امتیازات گمبرون را در مسقط نیز خواهند داشت. باین حال، نتیجه‌ای برای جلب کمک دریایی انگلیسی‌ها علیه اعراب حاصل نشد. این عدم همکاری دلایلی هم داشت: رقابت هلندی‌ها با انگلیسی‌ها، گرفتاری انگلیس در جنگ با فرانسه و اینکه آن موقع شرکت انگلیسی کشتی و سربازی نداشت که بتواند به عملیات دریایی بپردازد. چون انگلیسی‌ها از عهده جلوگیری آنها برنیامدند، تا حدودی از نفوذ و اعتبارشان در ایران کاسته شد (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۴۴۸-۴۴۵؛ ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۳-۲۰۲؛ اقبال، ۱۳۸۴: ۹۸).

۲. مذاکره با پرتغال برای همکاری نظامی مشترک

حملات عمانی‌ها به بنادر ایرانی همچنان ادامه یافت و شاه سلطان حسین که از تلاش برای همکاری انگلیس و هلند طرفی نبسته بود، ناگزیر شد برای دفع این حملات به پرتغالی‌ها متوسل شود که مذاکرات سیاسی دولت ایران و پرتغالیان را برای همکاری نظامی مشترک جهت دفاع از بنادر کنگ و عباسی و حمله مشترک به مسقط رقم زد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۶۸-۲۶۷). دربار صفویه با ترغیب نماینده پرتغال که در آن زمان در دربار بود، برای اجرای طرح اتحاد با پرتغالیان، طهمورث نامی از غلامان شاهی را با تحف و هدایا به سفارت نزد پادشاه پرتغال اعزام کرد. این فرستاده پس از سه سال به ایران بازگشت و در سال ۱۱۳۰ ق. همراه خود چهار کشتی جنگی با فرمانده و ناخدا و تعداد ۱۲۰۰ تفنگچی (البته شایع کرده بودند چهارهزار سرباز) به بندر کنگ وارد کرد. وقتی این خبر به سیف بن سلطان، امام عمان رسید، چهار کشتی به تعداد کشتی‌های پرتغال به بندر کنگ اعزام کرد و با پرتغالی‌ها درگیر شد. در این درگیری، پرتغالی‌ها کاری از پیش نبردند و بعد با بهانه‌تراشی و مقصر کردن لطفعلی خان و سپاه ایران، همچنین مطرح کردن طلب بیست‌ساله خود از درآمد کنگ و نیز هزینه کشتی‌های جنگی که برعهده ایران است، از جنگ کناره گرفتند. چون تهیه این مبلغ گزاف برای لطفعلی خان میسر نبود، پرتغالی‌ها شبانه از کنگ به‌در رفتند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۴-۴۱؛ آقا محمد زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۷۷-۳۷۶، ۳۷۱، ۳۶۴). در حقیقت، پرتغالی‌ها که اندکی در صدد کمک به ایران برآمدند، چنان مورد خشم اعراب

قرار گرفتند که نیروی دریایی خود را دو قسمت کرده، یکی را به سواحل شرقی آفریقا و دیگری را به هند فرستادند و مراکز تجاری پرتغال را نابود کردند (لکه‌هات، ۱۳۶۸: ۴۴۶-۴۴۵). به‌نوشته اقبال، شاه نماینده‌ای به گو آ نزد نایب‌السلطنه هند پرتغال فرستاد. پرتغالی‌ها که در صدد تقویت مجدد موقعیت خود در خلیج فارس بودند، پیشنهاد همکاری نظامی با ایران را پذیرفتند و دسته‌ای از ناوگان دریایی خود را در ۱۱۳۱ ق. / ۱۷۱۹ م. به بندرکنگ فرستادند و به جنگ سلطان بن سیف دوم عازم شدند. پرتغالی‌ها در نزدیکی بندر کنگ و جلفار دو شکست به خوارج دادند و شوکت امام مسقط را در هم شکستند که در نتیجه آن، جمعی از اعراب بر ضد او سر به شورش برداشتند. اندکی بعد، امام مسقط در ۱۱۳۱ ق. از دنیا رفت و جانشین او سیاست صلح‌خواهی پیشه کرد. پرتغالی‌ها به امید وعده شاه صفوی در حمله به مسقط، پیشنهاد صلح عمانی‌ها را نپذیرفتند و چون دیدند دربار ایران اقدامی انجام نمی‌دهد، به بندر گو آ برگشتند (اقبال، ۱۳۸۴: ۹۹).

این اوضاع موقعیت بنادر ایران در ساحل خلیج فارس را تضعیف می‌کرد و دولت صفویه قادر به رفع این بحران‌ها نبود. باینکه پس از مرگ سلطان بن سیف دوم بر سر تعیین جانشینی بین خوارج عمان اختلاف بروز کرد و کار به نزاع و جنگ کشید و قبایل ناراضی از تسلط خوارج به شورش پرداختند و در پی این منازعات، اعراب عمان مدتی به سواحل و جزایر ایران نپرداختند، دربار صفویه از این فرصت نه برای ضربه زدن بر قدرت خوارج عمان بهره گرفت و نه در جهت برقراری امنیت و بهبودی اوضاع خلیج فارس و حداقل برای تقویت موقعیت جزایر و بنادر ایرانی تلاش کرد (اقبال، ۱۳۸۴: ۹۸). آشفتگی اوضاع صفویه در این زمان، بی‌تدبیری و بهانه‌تراشی‌های شاه صفوی برای حمله به‌دلیل نامناسب بودن فصل حمله و تأمین نیرو و هزینه و نیز نگرانی از تسلط دوباره پرتغالی‌ها بر خلیج فارس موجب شد که در همکاری نظامی با پرتغالیان تعلل بورزد. در نتیجه، در سال ۱۱۳۳ ق. / ۱۷۲۱ م. اعراب مسقط و دزدان دریایی از قبیله بنی‌جاسم^۱ به بندرعباس حمله کردند که لطفعلی‌خان مأمور مقابله با آنها شد (اقبال، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

۳. دعوت از فرانسه برای همکاری نظامی علیه اعراب عمان

شاه سلطان حسین که از قدرت‌های اروپایی انگلیس، هلند و پرتغال کمکی دریافت نکرد، به فرانسوی‌ها رو آورد. او در ظاهر به قصد ایجاد روابط بازرگانی بین ایران و فرانسه و در

۱. بنی‌قاسم و بنی‌جاسم نیز گفته می‌شود.

حقیقت برای دریافت کمک نیروی دریایی فرانسه (کشتی و سرباز)، تصمیم به اعزام سفیر به دربار فرانسه گرفت. وی پیش‌بینی کرده بود که مخارج لشکرکشی و غنائم آن به تساوی بین طرفین تقسیم شود، قلاع سمت خشکی مسقط در اختیار ایران و قلاع سمت دریا در اختیار فرانسه قرار بگیرد، شاه در اراضی ساحلی میان بندرعباس و کنگ، بندری در اختیار شرکت هند شرقی فرانسه قرار دهد و خانه‌هایی متناسب در شیراز، اصفهان و تبریز برای آن شرکت تهیه کند (لکه‌هات، ۱۳۶۸: ۴۹۴). پس از ارسال نامه‌ها و تبادل سفیرایی بین ایران و فرانسه، با بالا گرفتن مزاحمت‌های اعراب مسقط، شاه سلطان حسین تصمیم گرفت که میرزا احمد نامی مباشر ولایت استرآباد را در رأس هیأتی پنج‌نفره به فرانسه بفرستد که این کار در پی مخالفت انگلیسی‌ها و هلندی‌ها انجام نشد (لکه‌هات، ۱۳۶۸: ۴۹۵-۴۹۶). با آمدن هیأت‌های میشل و فابر از فرانسه به ایران (لکه‌هات، ۱۳۶۸: ۵۱۴-۴۹۷؛ نوایی، ۱۳۷۷: ۲۷۰-۲۶۶)، شاه صفوی با همان هدف حل بحران اعراب عمان، هم از فرانسه تقاضای ارسال کارشناسان و متخصصان نظامی در امور توپ‌ریزی، تفنگ‌سازی و خمپاره‌اندازی برای ارتقاء توان نظامی کرد و هم نامه‌های خود را محرمانه و به طریقی ارسال می‌کرد که سوءظن مخالفان روابط تحریک نشود. همچنین به حاکم ایروان محمدرضا بیگ دستور داد کسی را به‌عنوان سفارت به فرانسه اعزام نکند. او میرزا صادق رئیس دیوانخانه و فرمانده سواره‌نظام را که دومین شخصیت ایروان بود، مأموریت داد؛ اما با مخالفت مخالفان منصرف شد. بُعد مسافت بین ایران و فرانسه، خالی بودن خزانه ایران، عدم تمایل و رضایت دربار عثمانی با برقراری ارتباط بین ایران و دنیای غرب، مخالفت انگلیسی‌ها و هلندی‌ها و مخاطرات و تهدیدهایی که بر اثر این اوضاع متصور بود، از موانع برقراری روابط بود (قائم‌مقامی، ۱۳۴۵: ۱۳-۵؛ نوایی، ۱۳۷۷: ۲۷۱).

سرانجام شاه صفوی، محمدرضا بیگ کلانتر ایروان را به سفارت نزد دربار لوئی چهاردهم فرستاد تا پادشاه فرانسه را به اتحاد با ایران برای تسخیر مسقط و پایان دادن به تهاجمات امام عمان وارد کند. فرانسویان پیش‌تر در معاهده‌ای به سال ۱۱۲۰ ق. چنین تعهدی کرده و اما اقدامی انجام نداده بودند. محمدرضا بیگ در جمادی‌الاول ۱۱۲۶/ مه ۱۷۱۴ ایروان را ترک کرد. در عبور از سرزمین عثمانی، مدتی در زندان ترک‌ها به‌سر برد و در ۱۱۲۷ ق./ ۱۷۱۵ م. به پاریس رسید. شرح این سفر به تفصیل با ذکر جزئیات آمده است (هربت، ۱۳۶۲: ۱۳۳-۳۷؛ گرس، ۱۳۷۰: ۳۹۳-۳۵۶).

لوئی چهاردهم سه تن از مقامات ارشد را برای مذاکره با سفیر شاه صفوی تعیین کرد. آنها وزیر امور خارجه، وزیر دریاداری و ممیز کل دارایی بودند. نتیجه مذاکرات، امضای

عهدنامه‌ای در ۲۳ شعبان ۱۱۲۷ ق. / ۱۳ اوت ۱۷۱۵ م. شد که بسیار به سود فرانسه بود. طبق آن عهدنامه از حقوق وارداتی و صادراتی ایران صرف‌نظر گردید و کلیه محدودیت‌ها بر تجارت فرانسه با ایران از میان برداشته شد و سفیر فرانسه مقام مقدم‌السفرایی یافت. سفیر درخواست کرد که فرانسه گروهی کارشناس فنی برای ساختن توپ و دیگر اسلحه‌های آتشین و تعدادی بازرگان برای صدور مصنوعات ایران به فرانسه و آوردن کالاهای فرانسوی به ایران، همراه او اعزام کند، همچنین بخشی از نیروهای فرانسه در اختیار دولت ایران گذاشته شود تا مسقط را از دست اشرار عرب بیرون آورده و در اختیار دولت ایران قرار گیرد (هربت، ۱۳۶۲: ۱۴۲-۱۳۸؛ لکه‌ه‌ارت، ۱۳۶۸: ۵۲۴-۵۱۷؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۰-۱۱۸). ظاهراً در این جلسه وزیران فرانسه که با درخواست عجیب سفیر ایران مواجه شدند، به‌گونه‌ای رضایت دادند که ایران از کارشناسان و مهندسين فرانسوی برای ساخت تجهیزات نظامی استفاده کند و چند کشتی نیز در اختیار دولت ایران گذاشته شود تا از عملیات قاچاقچیان دریایی و در صورت لزوم از دستبرد اعراب بر مسقط و جزیره بحرین جلوگیری کند (هربت، ۱۳۶۲: ۱۴۱).

تلاش‌های سفیر شاه صفوی در فرانسه برای همکاری نظامی علیه اعراب عمان به‌دلیل کهنسالی لوئی چهاردهم و ضعیف شدن نیروی دریایی فرانسه در اثر جنگ‌های پی‌درپی به فرجامی نرسید و امام مسقط نیز پیشدستی کرد و با فرانسوی‌ها از در دوستی درآمد. شاه صفوی از طرز برخورد فرانسویان ناراحت شد و به تلافی آن از کشتی‌های فرانسوی که برای تجارت به بندرعباس آمده بودند، حقوق گمرکی دریافت کرد و اعتراض فرانسویان نیز به جایی نرسید (اقبال، ۱۳۸۴: ۹۹-۹۸). در ۱۱۲۹ ق. / ۱۷۱۷ م. شوالیه آنژ دو گاردان برای انجام وظیفه در مقام کنسول فرانسه به‌اتفاق برادرش به ایران سفر کرد. دو برادر در زمان محاصره و تصرف پایتخت صفویه به دست افغانان در ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۲ م. هنوز در اصفهان بودند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۰). مشروح روابط ایران و فرانسه و قراردادهایی که بین طرفین منعقد شده، نامه‌های مبادله شده و فعالیت فرستادگان فرانسوی در ایران به‌تفصیل از سوی نویسندگان شرح داده شده است (لکه‌ه‌ارت، ۱۳۶۸: ۵۳۵-۴۹۷؛ تاجبخش، ۱۳۷۲: ۱۳۴/۲-۸۱۴-۷۰۹؛ نوایی، ۱۳۷۷: ۲۸۸-۲۵۸؛ شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۹۶-۹۲).

آشفته‌گی اوضاع ایران و تأثیر آن بر خلیج فارس

در ایام سلطنت شاه سلطان حسین، اوضاع ایالات و شهرهای ایران با بروز شورش‌ها، آشوب‌ها و حملات قبایل به شهرها آشفته شد. قبایل مختلف عرب، بلوچ، افغان و دیگر اشرار، نواحی کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس را مورد حمله و غارت قرار می‌دادند که ناامنی حاصل از آن بر وخامت اوضاع خلیج فارس تأثیر می‌گذاشت. حملات بلوچ‌ها به نواحی کرمان پدیده مداومی بود که گزارش‌های آن موجود است.^۱ افزون بر بلوچ‌ها، برخی از اشرار نواحی خراسان و افغان‌ها نیز به راهزنی در نواحی کرمان می‌پرداختند و به کاروان‌های تجاری و حتی خانه‌های مردم دستبرد می‌زدند (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۴۴-۶۳۴). گزارش تفصیلی حملات بلوچ‌ها و افغانه به کرمان در اسناد شرکت هندشرقی هلند آمده است و از خرابی‌ها و خسارت بلوچ‌ها و افغان‌ها، آگاهی‌های خوبی به‌دست داده است.^۲ بخش زیادی از گزارش‌هایی که در دستور شهریاران در پنج‌ساله نخست سلطنت شاه سلطان حسین آمده، در باره تهاجمات مکرر بلوچ‌ها به نواحی مختلف است که تلاش‌های نظامی صفویه برای سرکوب آنها نیز غالباً به شکست می‌انجامید (نصیری، ۱۳۷۳: ۸۶-۸۲، ۷۴، ۶۵-۶۰). این حملات بر وضعیت بنادر جنوبی ایران و اوضاع خلیج فارس تأثیر نامطلوبی داشت و صفویه را از درآمد سرشار این بنادر محروم می‌کرد. امنیت، تجارت و صادرات و واردات کرانه شمالی خلیج فارس را مختل و تأسیسات آن را ویران می‌کرد و در ترکیب جمعیتی این نواحی نیز تأثیر نامطلوبی می‌گذاشت.

بلوچ‌ها حملات خود را تا ساحل دریا کشاندند و بر ناپایداری اوضاع خلیج فارس در این روزگار تأثیر گذاشتند. در گزارش هلندیان به تفصیل تهاجمات بلوچ‌ها به روستاهای از حدود شیراز به لار و بندرعباس شرح داده شده است که چگونه به خرابی و غارت روستاها و کشتار مردم می‌پرداختند و موجب فرار مردم از این مناطق می‌شدند. شرکت‌های اروپایی نیز برای دفاع از خود و مال‌التجاره شرکت دچار مشکل شده بودند و با تجهیزات اندکی که داشتند، به دفاع در برابر حملات بلوچان می‌پرداختند (فلور، ۱۳۶۵: ۹۵-۸۵، ۷۲-۵۹). با حمله نیروهای محلی به دفترخانه‌های شرکت‌های اروپایی در بندرعباسی و گسستگی نظم سیاسی و اجتماعی و بروز هرج و مرج در نواحی جنوبی (وٹوقی، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱)، قحط و غلا شیوع پیدا کرد و بسیاری از مردم از گرسنگی تلف شدند و کسانی ناگزیر ترک وطن کردند

۱. در این زمینه بنگرید به: کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۹۵، ۲۸۳-۲۸۱، ۲۷۲، ۲۶۷.

۲. بنگرید به: فلور، ۱۳۶۵: ۹۵-۴۱.

(مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۷۷). اعراب جواسم و قبایل بلوچ در خشکی به طور دائم به غارت و چپاول مشغول بودند. حملات بلوچ‌ها به بندرعباس بر وضعیت شرکت‌های خارجی در ایران نیز تأثیر گذاشت. همراه با زوال تدریجی قدرت سیاسی صفویان، امنیت داخلی که شرکت‌های تجاری خارجی وابستگی بسیاری به آن داشتند نیز کاهش یافت. در سال ۱۷۲۱م. انگلیسی‌ها در بندرعباس دچار زحمت شدند. بلوچ‌ها با حمله به کرمان و سپس تصرف شهر لار، نیرویی برای تصرف بندرعباس اعزام کردند. آنها به محله‌ای از شهر که تجارتخانه‌های شرکت‌های اروپایی در آنجا واقع بود، حمله کردند و هر چه را سر راه خود می‌دیدند، خراب و نابود می‌کردند. بسیاری از ساکنان را کشتند و به تجارتخانه‌ها حمله‌ور شدند. کارگزاران شرکت‌های انگلیسی و هلندی پیش‌تر به تحکیم مواضع خود پرداخته بودند و با چندین فروند توپ از عمارت‌خانه‌های خویش حراست می‌کردند. با همه مقاومتی که به‌خرج دادند؛ اما بلوچ‌ها چندین فروند توپ را از آنها گرفتند و انبارهایی را غارت کردند. یکی از انبارهای هلندی که معادل ۲۰۰۰۰ لیره کالا و اجناس در آن بود، به‌دست بلوچ‌ها افتاد. در این درگیری ۱۲ هلندی به قتل رسید و حدود ۱۰ نفر نیز زخمی شدند و بلوچ‌ها مدت یک ماه در اطراف شهر به چپاول و غارت مشغول بودند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۵-۲۰۴؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۱).

بروز شورش‌های گسترده در کشور، اوضاع داخلی را هر چه بیشتر مختل کرد. آشفتگی اوضاع خراسان در اثر حملات افغان‌ها و اوزبکان، شورش ابدالیان در هرات، شورش‌های مختلف در نواحی مختلف از جنوب غرب تا شمال غرب: شورش تبریز، شورش گردها، منازعات درونی خاندان مشعشعی در خوزستان، شورش بختیاری‌ها، عصیان ایلات شاهسون در مغان، عصیان لرها، شورش لزگی‌های داغستان و از این شورش‌ها مهم‌تر و بزرگ‌تر، شورش افغانان غلزایی بود که رخ داد و سرانجام در زمان محمود پسر میرویس به محاصره اصفهان انجامید. در این آشوب و انقلاب داخلی، تهاجم روس‌ها و عثمانی‌ها به ایران نیز آغاز شد که مناطقی را در شمال و شمال غرب کشور به تصرف درآوردند و سپس این ایالات را طی قراردادی بین خود تقسیم کردند. سرگرم بودن دولت صفویه به این حوادث و ناتوانی در مهار اغتشاش‌ها و بحران‌ها، از توجه کافی دربار شاه سلطان حسین به اوضاع خلیج فارس کاست.

بخشی از آشفتگی اوضاع کلی کشور و به تبع آن نابسامانی وضعیت خلیج فارس، به شخصیت ضعیف و نالایق شاه صفوی در این دوران بستگی داشت که از کفایت لازم برای اداره کشور و غلبه بر بحران‌ها برخوردار نبود. به تعبیر هنوی، او هیچ شایستگی پادشاهی را

نداشت و به جای آنکه واقعاً پادشاه باشد، اسماً سلطنت می‌کرد. فقط اشخاصی طرف توجه او بودند که وسایل عیش و نوش او را فراهم می‌کردند (هنوی، ۱۳۶۷: ۱۶). دیگر عوامل بروز این حوادث و آشفتگی اوضاع پایانی صفویه به دستگاه ضعیف و ناتوان و کارگزاران حکومتی فاسد شاه سلطان حسین مربوط می‌شود. روایات موجود از فساد و دسیسه‌های درباریان و ناکارآمدی و بی‌تدبیری آنها حکایت دارد. پادشاه و امرا همه به راحت‌طلبی، ترس، احتراز از جنگ، حسدورزی نسبت به یکدیگر، غضب، توجه نداشتن به عواقب امور، همانند بودند و به سبب همین اخلاق ناشایست، امور کشورداری پیش نمی‌رفت. در نتیجه این رقابت‌ها و حسدورزی‌ها و وفور طمع و عدم بندوبست که در ارکان حکومتی جریان داشت و رواج رشوه برای دریافت مناصب که هر کس پول بیشتری می‌پرداخت، به منصبی دست می‌یافت، پیوسته کارگزاران حکومتی تغییر پیدا می‌کردند و غالباً بیکاره و بی‌اختیار بودند و علیه یکدیگر دسیسه می‌کردند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۸-۴۹). بنابراین، قدرت اجرایی حکومت ایران در این زمان نه فقط از دشواری‌های سیاسی داخلی و دسیسه‌های دربار لطمه می‌دید، بلکه تغییرات پیاپی صاحبان مناصب مهم نیز به آن لطمه می‌زد. در این دوران نیروی نظامی نیز به تن‌آسایی و عدم جنگ عادت کرده بود و قشون صفویه آمادگی لازم را برای غلبه بر بحران‌ها نداشت. توان قشون بر اثر رقابت‌ها و حسادت‌های فرماندهان گرجی قشون با صاحب‌منصبان غیرنظامی درباری، تعویض‌های مکرر حکام به‌خاطر رشوه‌گیری و خصومت شخصی و در نتیجه افزایش میزان بهره‌کشی از مردم و نیز خودپسندی عمومی درباریان پرنفوذ صفوی و ترجیح دادن نفع شخصی بر منافع کشور، تضعیف شده بود (فوران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). سرانجام محاصره اصفهان از سوی افغانان و وضعیت فلاکت‌باری که پدید آمد، ارتباط زمامداران و درباریان صفوی را با حوزه خلیج فارس گسست و اوضاع آن را هر چه بیشتر آشفته‌تر ساخت. اشغال اصفهان از سوی افغانان و در پی آن، رخت بر بستن نظم و قانون از سراسر ایران، بالطبع مشکلات دشواری را برای مأموران و کارکنان شرکت‌های هند شرقی انگلیس، هلند و فرانسه ایجاد کرد. برخی از اینها جان خود را در محاصره اصفهان که طی آن عده زیادی از قحطی و مرض هلاک شدند، از دست دادند و یا بعد از اشغال شهر به دست افغانان کشته شدند. برخی نیز توانستند با دادن رشوه به مقامات افغان جان به در برند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۳). شرایط حاضر بر ادامه فعالیت این شرکت‌ها در ایران تأثیر منفی گذاشت و آنها را متوجه جاهای دیگر کرد. بدین ترتیب، اوضاع خلیج فارس با سقوط دولت صفویه در ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۲ م. پیچیده‌تر شد و به رشد قدرت‌های محلی از یک‌سو و زمینه

تثبیت قدرت انگلستان در خلیج فارس از سوی دیگر کمک کرد. با گسترش مستعمرات اروپائیان در هندوستان و افریقا، هرموز و بصره به تدریج اهمیت تجاری خود را از دست دادند و تجارت دریایی ایران نیز رو به کاهش نهاد (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۱۱۵). دولت صفوی در پایان حیات خویش، در حل بحران‌هایی که در کشور رخ داد، ناتوان بود. این مسائل، توجه دولت صفوی را از پرداختن جدی به وضعیت خلیج فارس به سوی تنازعات درونی سوق داد و این مشکل حل نشده رها شد.

نتیجه‌گیری

با تأسیس دولت صفویه در ایران، خلیج فارس عرصه حضور قدرت‌های اروپایی گردید که در پی کشف راه دریایی به مشرق زمین وارد شده و پس از حضور در هندوستان از طریق دریای عمان به خلیج فارس وارد و در ارتباط با ایران قرار گرفتند. حضور قدرت‌های جدید در عرصه خلیج فارس، فعالیت‌های تجاری نیروهای محلی (ایرانی، ترک و عرب) را تحت تأثیر قرار داد و آنها را از گردونه رقابتی که پیش‌تر با یکدیگر داشتند، خارج ساخت. با اینکه شاه عباس اول، انحصار پرتغالیان بر این مسیر آبی را شکست و ضمن استرداد جزایر و بنادر متصرفی، خلیج فارس را به کانون مهم فعالیت‌های اقتصادی خود تبدیل کرد، در دوره جانشینان او، سیاست صفویان در خلیج فارس تابع رقابت شرکت‌های چندگانه هند شرقی اروپایی (انگلیس، هلند و فرانسه) و نیز تحرکات راهزنی و شورش‌های اعراب در دریا بود که سیاستی آشفته و متزلزل بود. با بروز روند انحطاط در ارکان مختلف حکومت صفویه در سال‌های پایانی حیات این سلسله، نابسامانی و ناامنی در خلیج فارس نیز بیشتر نمایان شد. حملات اعراب مسقط به جزایر و بنادر ایرانی و پدیده راهزنی دریایی و درگیری اعراب با پرتغالی‌ها بر روی آب، دشواری‌های زیادی را برای دولت صفویه، تجارت، امنیت و حاکمیت آن بر خلیج فارس ایجاد کرد. شورش افغانان غلزایی همراه با حملات بلوچ‌ها به نواحی ساحلی خلیج فارس بر پیچیدگی اوضاع افزود. در این دوره آشوب و ناامنی، خلیج فارس از نظارت و کنترل دولت صفویه خارج شد و به دست شرکت‌های تجاری اروپایی افتاد که با نیروی نظامی خود در پی حفظ منافعشان در خلیج فارس بودند. سایه جنگ بر خلیج فارس سایه افکنده بود و موجب ترس و وحشت مردم نواحی ساحلی شده بود و این اوضاع پرآشوب وضعیت تجارت و بازرگانی را مختل کرده بود. سقوط اصفهان و حاکمیت افغانان بر ایران و بروز قیام‌های مردمی علیه آنها بر نابسامانی و ناپایداری اوضاع خلیج فارس افزود. بنابراین، می‌توان نتیجه

گرفت که ناپایداری حاکمیت صفویه بر خلیج فارس در این دوره، متأثر از سه متغیر مهم است. ۱. دخالت‌های سلطه‌گرانه قدرت‌های اروپایی و رقابت دریایی آنها؛ ۲. تحرکات اعراب مسقط برای احیای قدرت دریایی خود که به نایمن‌سازی خلیج فارس، ایجاد تنش با قدرت‌های اروپایی و تهاجم به حوزه‌های حاکمیتی ایران پرداختند؛ ۳. شیوه زمامداری ناکارآمد و سیاست متزلزل شاه سلطان حسین صفوی؛ ناتوانی و بی‌تدبیری این پادشاه در به کار بستن سیاست بخردانه و قدرتمند در خلیج فارس برای غلبه بر بحران‌های پدید آمده، مدیریت و مهار حوادث را از اختیار دولت صفویه خارج ساخت و وضعیت آشفته‌ای را رقم زد. پیامد این ناپایداری اوضاع خلیج فارس و سیاست آشفته شاه سلطان حسین را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: شورش‌های اعراب در دریا و درگیری با پرتغالی‌ها و کشتی‌های شرکت‌های انگلیسی و هلندی؛ از بین رفتن امنیت آبراه‌ها و شیوع دزدی دریایی؛ حملات اعراب مسقط به جزایر و بنادر ایرانی و غارت اموال و کشتار مردم؛ حملات بلوچ‌ها و افغان‌ها به شهرهای کرانه‌ای و بنادر ایران در ساحل خلیج فارس و ایجاد خسارت و خرابی؛ ناتوانی شاه سلطان حسین در جلب همکاری اروپائیان و غلبه بر مشکلات دریایی و عدم مدیریت بحران خلیج فارس؛ تداوم حضور و سلطه شرکت‌های هند شرقی انگلیس، هلند و فرانسه در خلیج فارس؛ جابجایی جمعیتی در بنادر ایرانی و تغییر موقعیت این بنادر و ظهور قدرت‌های محلی در جزایر، بنادر و نواحی کرانه‌ای.

منابع و مأخذ

- آقا محمد زنجانی، مهدی (ترجمه و تنظیم)، ۱۳۸۲، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۸)*، تهران: وزارت امور خارجه.
- از کوی، سرحان بن سعید، ۱۴۲۶ق.، *تاریخ عمان*، چ ۴، به تصحیح: عبدالمجید حسیب قیسی، عمان: وزارت التراث والثقافه.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۴، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران: اساطیر.
- پورمحمدی املشی، نصرالله و ندا سنبلی، ۱۳۹۶، «اعراب عمان در خلیج فارس در دوره شاه سلطان حسین صفوی»، *تاریخ روابط خارجی*، س ۱۸، ش ۷۲، پائیز، صص ۷۷-۴۷.
- تاجبخش، احمد، ۱۳۷۲، *تاریخ صفویه*، شیراز: نوید شیراز.
- چمنکار، محمدجعفر، ۱۳۹۳، «زمینه‌های ناتوانی ایران صفوی در برخورد با امامان یعربه عمان در خلیج فارس (سده ۱۲ هجری)»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، س ۴، ش ۸، بهار و تابستان، صص ۱۰۲-۷۷.

- سیوری، راجر، ۱۳۷۲، *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: مرکز. شاردن، ژان، ۱۳۷۴، *سفرنامه شاردن*، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شوستر والسر، سیبلا، ۱۳۶۴، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان*، ترجمه: غلامرضا ورهرام، تهران: امیرکبیر.
- طهرانی (وارد)، محمدشفیع، ۱۳۸۳، *مرآت واردات؛ تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن و فرمانروایی ملک محمود سیستانی*، به تصحیح: منصور صفت گل، تهران: میراث مکتوب.
- عاشور، سعید عبدالفتاح، ۱۴۲۶ق، *تاریخ اهل عمان*، چ ۲، عمان - مسقط: وزارت التراث والثقافة.
- فلور، ویلم، ۱۳۶۵، *برفتادن صفویان، برآمدن محمود افغان (به روایت شاهان هلندی)*، ترجمه: ابوالقاسم سَری، تهران: توس.
- _____، ۱۳۷۱، *اختلاف تجاری ایران و هلند*، ترجمه: ابوالقاسم سَری، تهران: توس.
- فوران، جان، ۱۳۹۲، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، چ ۱۴، ترجمه: احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فیدالگو، گرگوریو پیرا، ۲۵۳۷، *گزارش سفیر پرتغال در دربار سلطان حسین صفوی*، ترجمه: پروین حکمت، تهران: دانشگاه تهران.
- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۵، «روابط نظامی ایران و فرانسه در دوره صفویه»، *بررسی‌های تاریخی*، س ۱، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان، صص ۱۲۴-۱۰۵.
- قزوینی، ابوالحسن، ۱۳۶۷، *فوائد/الصفویه*، به تصحیح: مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کاره، بارلمی، ۱۳۸۷، *سفرنامه آبه کاره در ایران*، ترجمه: احمد بازماندگان خمیری، تهران: گلگشت.
- کرمانی، محمدمؤمن، ۱۳۸۴، *صحیفه/الارشاد*، به تصحیح و تحشیه: محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- کروسینسکی، تادوز یودا، ۱۳۹۶، *سفرنامه کروسینسکی (از شاه سلطان حسین تا نادرشاه)*، ترجمه: ساسان طهماسبی، قم: مجمع ذخائر اسلامی: کتابخانه و موزه ملی ملک.
- گرس، ایون، ۱۳۷۰، *سفیر زیبا، سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، تهران.
- لکه‌هات، لارنس، ۱۳۶۸، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*، چ ۳، ترجمه: مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.
- مَتی، رودی، ۱۳۹۳، *ایران در بحران؛ زوال صفویه و سقوط اصفهان*، چ ۲، ترجمه: حسن افشار، تهران: مرکز.
- مرعشی صفوی، محمدخلیل، ۱۳۶۲، *مجمع‌التواریخ*، به تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، [تهران]: سنایی و طهوری.
- مشیزی (بردسیری)، میرمحمدسعید، ۱۳۶۹، *تذکره صفویه کرمان*، به تصحیح: محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.

منشی، اسکندریگ، ۱۳۷۷، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

نصیری، محمدابراهیم، ۱۳۷۳، *دستور شهریاران*، به کوشش: محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۷۷، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت.
وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۹، *علل و عوامل جابجایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

_____، ۱۳۹۱، *تاریخ خلیج فارس و سرزمین‌های همجوار*، چ ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
ویلسن، سر آرنولد، ۱۳۶۶، *خلیج فارس*، چ ۲، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
هربت، موریس، ۱۳۶۲، *محمد رضا بیگ سفیر ایران در دربار لوئی چهاردهم*، ترجمه: عبدالحسین وجدانی، به کوشش: همایون شهیدی، تهران: گزارش تاریخ و فرهنگ ایران.
هنوی، جونس، ۱۳۶۷، *هجوم افغان و زوال دولت صفوی*، ترجمه: اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: یزدان.